

اخراج دسته جمعی کارگران آغاز شده است

کارخانه ایران ناسیونال مجموعاً چهارده هزار پرسنل دارد که نزدیک به پنج هزار نفر آنها در بخش خدمات و اداری و بقیه به عنوان کارگر در خط تولید کار می کرده اند. کارگران ایران ناسیونال عموماً در پیکان شهر، شادشهر، باغ فیض و شهرک دولت آباد کرج و اطراف این مناطق سکونت دارند. بخش هایی که کارگران در آنها مشغول به کار بوده اند عبارتند از: (۱ - اتوبوس، ۲ - مینی بوس ۳ - پیکان، ۴ - ماشین شاپ و ۵ - ریخته گری. بقیه در صفحه ۲

در اکثریت ۱۱۴ نوشتیم که مسئولین کارخانه ایران ناسیونال دست به اخراج وسیع کارگران، اعزام آنها به جبهه جنگ و واحدهای مربوطه صنایع تسلیحاتی زده اند. این اقدامات در دیگر صنایع کشور نیز انجام گرفته است. گزارش های، واصله حاکی است که اخراجها در ماه جاری ابعاد تازه تری بخود گرفته است. تولید در این کارخانه بکلی مختل گردیده است و کارگران دسته دسته اخراج، باز خرید، منتقل و باروانه جبهه جنگ می شوند.



دوشنبه، ۲ تیر ۱۳۶۵ - برابر ۲۱ ژوئیه ۱۹۸۶
بها ۶۰ ریال - سال سوم - شماره ۱۱۶

کابل های بی برق

لوله های بی آب

بر دشواری های زندگی روزمره در سایه حاکمیت ولایت فقیه مردم افزوده می شود. مشکلات جدید زاده می شوند، دشواری های قدیمی شدت و حدت می یابند. در گرمای سوزان تابستان، کابل های بی برق برای ساعت ها از کار باز می مانند و آب در لوله های لولیل و عریض آب رسانی می خشکد. خاموشی و قطع آب، در تهران و دیگر نقاط کشور استثنای نیست، حکایت هرروزه ایست.

چند هفته قبل در پی خاموشی های متوالی، مهندس نعمت زاده وزیر توانیر طی یک مصاحبه مطبوعاتی (مندرچ در کیهان ۲ بقیه در صفحه ۲

این رژیم است که می خواهد تشکیلات صنفی پزشکان را از هم بپاشد و... اعتصاب پزشکان به شدت رژیم را خشمگین می سازد. نخست وزیر فرمان انحلال سازمان نظام پزشکی را صادر می کند و دادستانی در این زمینه اطلاعیه خشماکینی منتشر می سازد. کیهان روز دوشنبه ۲۲ تیر اطلاعیه دادستانی را چنین بازتاب می دهد: "دادستان کل کشور طی اطلاعیه ای ضمن محکوم نمودن این حرکت... به گردانندگان... هشدار داد که دستخوش بازیهای سیاسی نشوند و متوجه پیامدهای سوء سیاسی این اقدام تحریک آمیز باشند. اطلاعیه دادستانی کل کشور ضمن اخطار شدید به گردانندگان این حرکت... اعلام نموده است که در صورت وقوع چنین اقدامی با آنها برخورد قاطع انجام خواهد گرفت." بقیه در صفحه ۸

پزشکان دست به اعتصاب زدند

* رژیم سازمان نظام پزشکی را منحل اعلام کرد

* بهش از ۵ پزشک بازداشت شده اند

* مخالفت پزشکان با تحمیلات رژیم ادامه دارد

تهران، دوشنبه، ۲۲ تیر - خبر روز، اعتصاب پزشکان است. این خبر دهان به دهان می پیچد. زرمه اعتصاب از روز قبل به گوش می رسد. صبح دوشنبه کمابیش همه پزشکان در جریان قرار می گیرند. تا بعد از ظهر خبر به شهرستانهای بزرگ نیز می رسد. بیمارستانها و مراکز درمانی مثل همیشه پر از درماندگان و مراکز بیمارستانها و درمانگاهها، فقط بیماران نیازمند به مداوای فوری و بعضاً بیماری را که از قبل نوبت گرفته اند.

پدیرند. همه جا بحث است. اظهار نظرهاي مختلفی می شود. افشاکرپهای بموقع و اصولی به بحثهای جهت درستی می دهد؛ رژیم مقرر است؛ اعتصاب پزشکان امر حساسی است، اما رژیم کار را به اینجا کشانده است؛ این رژیم است که اکثر امکانات درمانی را در خدمت تداوم جنگ قرار داده است؛ این رژیم است که جهت گیری تجارت پیشگی در زمینه بهداشت و درمان را تشدید کرده است؛ این رژیم است که پزشکان را فراری می دهد؛

رهبران معدنچیان آفریقای جنوبی

جمهوری اسلامی را محکوم کردند

نژادپرستان یاد کرده و از مردم این کشورها خواستند تا با وارد آوردن فشار بر دولتهای خود تحریم اقتصادی علیه دولت نژاد پرستان در آفریقای جنوبی رایه اجرا در بیاورند.

رئیس و دبیر کل اتحادیه کارگران معادن آفریقای جنوبی در حاشیه این کنفرانس با امضای متنی مخالفت خود را با سیاستهای سرکوبگرانه جمهوری اسلامی ایران داشته و اعدام انقلابیون ایرانی را محکوم نمودند. آنان خواستار آزادی همزندانان سیاسی در ایران شدند.

جان موت لاتزی رئیس اتحادیه کارگران معدن آفریقای جنوبی و سیریل رامافوزاد دبیر کل این اتحادیه که بطور مخفیانه از این کشور خارج شده بودند، بعنوان همان افتخاری، در کنفرانس سراسری اتحادیه کارگران معادن بریتانیا شرکت کردند. رهبران معدنچیان آفریقای جنوبی در سخنانی که در طی کنفرانس ایراد کردند سیاست دولت های آمریکا، انگلیس و آلمان فدرال را در قبال رژیم آپارتاید محکوم کردند. آنها از ریکان، تاجرو مملوت کول، بعنوان دوستان

پناهندگان، گریزان از جهنم خمینی

گرفتار در دایره تحریکات نژادپرستانه

ندارند نیز حق پناهندگی نعلق نمی گیرد. بر طبق این لایحه تدابیری نیز جهت محدود ساختن اجازه اقامت و کار پناهندگان سیاسی پیش بینی شده است. ژوزف اشتراوس رهبر حزب سوسیال مسیحی، و نخست وزیر دولت ایالتی بایرن، خواهان تغییر قانون اساسی این کشور و لغو حق پناهندگی سیاسی شد.

محور تبلیغاتی که در این زمینه پیش برده می شود تاکید بر کثرت تعداد افرادی است که به تازگی وارد برلین غربی شده اند. دولت آلمان فدرال می گوید از طریق تشدید فشار بر متقاضیان پناهندگی و ایجاد شرایط غیر انسانی برای آنان، وانمود سازد که فاقد امکانات برای پذیرفتن متقاضیان پناهندگی است. بدین منظور آنان را در چادرها و بقیه در صفحه ۳

در هفته های اخیر، رسانه های خبری آلمان فدرال تبلیغات ضد پناهندگان سیاسی و ضد خارجی ویژه ای رایه نمایش گذاشتند. صفحات تقریباً اکثر روزنامه های پر تیراژ وابسته به اندکسارات و نیز کانالهای مختلف تلویزیونی در هفته گذشته بیش از هر زمان دیگری برنامه هایی تبلیغی جهت فریب افکار عمومی و زمینه سازی برای به تصویب رساندن لایحه محدودیت حق پناهندگی سیاسی ارائه کردند. بر طبق این لایحه که از سوی دولت هلموت کول به پارلمان فدرال ارائه می شود جنگ و اعمال شکنجه در موطن فرد متقاضی نمی تواند مجوز دادن پناهندگی باشد. همچنین به اتباع خارجی مقیم آلمان فدرال نیز که در فعالیتهای افشاکرانه علیه رژیمهای خود شرکت داشته و امکان بازگشت به کشور خویش را

وحدت جنبش کمونیستی، ضامن پیروزی در مبارزه مشترک
نوشته: وادیم زاگلا دین
در صفحه ۱

زنده باد صلح، زنده باد آزادی، مرگ بر خمینی!

گزارشی از ایران ناسیونال

اخراج دسته جمعی کارگران آغاز شده است

ولی برای دسته سوم و چهارم به هر صورت کارخانه کاری ندارد و باید آنجا را ترک کنند. مطالب نوشته شده در فرم های بازخورد نیز حاکی از ناپدید شدن میرخانی بود. فرم ها نیز به چهار صورت دسته بندی شده بود.

امنیت شغلی کارگران کارخانه ایران ناسیونال یکی از میان رفتن کارگرانی که سالهای دراز در این کارخانه کار کرده بودند اکنون می بایست آنجا را ترک نمایند. بیکار شوند، به جیبه بروند و یا پس از انتقال بدور از همسر و فرزند و خانه و کاشانه خود آواره این شهر و آن شهر شوند. فقدان تشکلی صنفی باعث گردید امکان مقاومت فعال کارگران در برابر این دسایس شوم فراهم نیاید. بر عده کسانی که بناچار و برای دریافت حداقل مزایا فرم بازخورد را امضا می کردند، افزوده شد. هیات مدیره التیماutom داد که مهلت پر کردن این فرمها در روز ۱۶ تیرماه پایان خواهد یافت و از آن پس کارگران خود دانند.

اجرای طرحهای شوم جمهوری اسلامی در ایران ناسیونال در این ماه شتاب گرفته است. باز خریدندگان یک بیک کارخانه را برای همیشه ترک می کنند. هفتصد تن از کارگران به جیبه فرستاده شده اند و مقرر شده است که بزودی این رقم باید به ۶۵۰۰ نفر برسد. یعنی نزدیک به نیمی از ۱۴ هزار کارگر این کارخانه. بخش ریخته گری در اختیار سپاه قرار گرفته است و این بخش تماما به تولید تجهیزات اختصاص یافته است. دو هزار و پانصد تن کارگر دیگر که فاقد محل کار شده اند فعلا به کلاس سواد آموزی فرستاده شده اند. به آنها اخطار شده است که هرگاه این کلاس را با موفقیت طی نکنند از کارخانه اخراج می شوند. این هم جزیه معنی اخراج قطعی آنان در آینده نزدیک نیست زیرا در سال گذشته از میان ۱۰۰۰ کارگر سواد آموز تنها ۹ نفر در امتحان قبول شده بودند.

کارگران خشمگین هستند. ردالتهای رژیم خمینی کینه شان را عمیقتر کرده است. هر فرصتی می تواند سر آغاز فوران خشمشان گردد. مثلا وقتیکه اخیرا سواد آموزان در حین خروج از کلاسها با رفتار توهین آمیز مامورین انتظامات که آنان را بازرسی می کنند، مواجه شدند، شیدا واکنش نشان دادند. در این روز زود خوردی میان کارگران و مامورین انتظامات ایجاد شد که تا ساعتها ادامه یافت. دیگر کارگران از نقاط دیگر و

باتوجه به ابهاماتی که نسبت به آینده خود داشتند، متفاوت بود. در همان روزها عده معدودی که امیدی به یافتن کار در جایی دیگر داشتند، به باز خرید کردن نهادند. ولی مجموعه کارگران از پر کردن فرم خودداری کردند. استدلال آنها این بود که با اینهمه گرانی و بیکاری اگر باز خرید شویم، پس از مدتی مختصر بول باز خرید شدن تمام می شود و آنوقت باید گرسنگی بکشیم

در همان حال که زمینه سازی برای وادار ساختن کارگران برای پذیرش باز خرید و ترک کارخانه ادامه داشت، هیات مدیره عده ای را از بنیاد شهید استخدام کرد و در کارخانه به کار گماشت. این امر بر شگرانی کارگران افزود. آنها در روز ۲۱ خرداد ماه ۶۵ این موضوع را از یکی از اعضای هیات مدیره بنام خجسته استفسار کردند که در حالیکه کارخانه در حال تعطیل شدن است و شاعده ای را باز خرید می نمائید و درصدید عده ای دیگر را منتقل کنید، چرا از بنیاد شهید کارگر استخدام می نمائید؟ پاسخ های خجسته نامربوط بود و پس از آن کارگران دریافتند که مسئولین به اخراج گروهی از آنان مصمم شده اند.

در تیرماه کارگران مطلع شدند. که مدیریت تصمیم نهائی را برای انتقال عده زیادی از کارگران به دیگر کارخانجات و ارگانهای دولتی اتخاذ کرده است. طبق این خبر در روز ۲۱ دسته ای از کارگران می بایست منتقل گردند. بر طبق خبرهای بعدی، وزارت صنایع سنگین به کارخانه ابلاغ نمود که سه هزار کارگر باید به صنایع نظامی فرستاده شوند. همچنین هزار کارگر دیگر باید بطور فشرده دوره کارآموزی یک ماه جوشکاری را گذرانیده سپس به تاسیسات گازکنگان اعزام شوند.

سخنان بعدی میرخانی تایید مضامین اخبار فوق بود. او در جمعی اظهار داشت که کارگران کارخانه به چهار دسته تقسیم شده اند. دسته اول در کارخانه می مانند و دسته دوم در صورت امکان و نیاز باقی خواهند ماند

اکثریت کارگران را بعنوان مازاد بر نیاز اخراج کنند، بطور گسترده میان کارگران پخش شد.

اگر چه کارخانه در ماه رمضان تعطیل نشد ولی اظهارات میرخانی مدیر عامل کارخانه در روز ۱۷ خرداد، خیر اخراج کارگران را تقویت کرد. میرخانی در آن روز با حضور در جمع کارگران به ایراد سخنانی مزورانه ای پرداخت. او در آغاز این خبر را تکذیب کرد ولی در ادامه همین سخنانی جهات اساسی آن را تایید کرده و از آن دفاع نمود. وی گفت: "همانطور که خودتان می بینید کارخانه بعد از عید تاکنون هیچ کار نکرده و عملا بیکار مانده است. تعطیلی کارخانه نیز به دلیل آن است که ما ارز نداریم تا قطعات مورد احتیاج کارخانه جهت تولید را وارد نماییم، در نتیجه کارخانه نمی تواند با ظرفیت قبلی کار کند؛ لذا ما فکری برای کارخانه کرده ایم." میرخانی سپس فکر خود را برای کارگران بیان داشت که آن هم باز خرید کردن کارگران بود. مدیر عامل مزور کارخانه باز خرید شدن را داوطلبانه نامید اما در پی آن تصویری از وضعیت آتی کارگران در کارخانه ارائه کرد که هیچ راهی جز "داوطلب" شدن در پیش پای آنان نمی گذاشت. کارگران می دانستند که باقی ماندگان، هر لحظه باید در انتظار اعزام به جیبه باشند. مدیر عامل گفته بود: "آن عده از کارگران که تمایل دارند در کارخانه بمانند، بخشی از آنها راه عنوان پرسنل کارخانه جدا کرده و بقیه راه ارتش، صنایع دفاع ملی و شرکت نفت می فرستیم"

میرخانی در پایان صحبت خود به کارگران گفت تا شنبه دیگر تعطیل هستید، حالا به خانه بروید و فکرمایتان را بکنید. یکشنبه فرم باز خرید آماده شده، به شما داده خواهد شد. کارگران پس از بیکهفته تعطیلی اجباری به کارخانه بازگشتند و روز بعد فرم را به هم کارگران دادند. فرم ها حاوی بیوگرافی کارگران و شرایط باز خرید آنها بود. تاثیر فرم در میان کارگران

بقیه از صفحه اول گذشته از سه بخش اول که کارشان مشخص است، در بخش مابین شاپ به مونتاژ مابین می پردازند و در بخش ریخته گری قطعات چدنی و سیلندر مابین ها ساخته می شود.

تا قبل از تیرماه ۶۴، در هر کدام از بخش های تولیدی کارخانه سه شیفت کار انجام می گرفت که مدت هر شیفت ۸ ساعت بود. شیفت اول از ساعت ۶ صبح الی ۲ بعد از ظهر و دو شیفت دیگر از ساعت ۲ به بعد ادامه می یافت.

بعد از تیرماه ۶۴، بخش بیکار بعلت نداشتن قطعات بیکار شد. مسئولین کارخانه، کارگران دوشیفت بخش بیکار را به بخش اتویوس و مینی بوس منتقل کردند. اما چون خرید سالیانه بخش اتویوس و مینی بوس انجام شده بود، لذا انتقال کارگران به این بخش ها، در تولید اتویوس و مینی بوس تغییری بوجود نیاورد. امور تولید کارخانه همراه با افت و خیزهای متعدد تا اواخر سال ۶۴ پیش رفت. در اوایل سال ۶۵ کارگران بخش بیکار را به قسمت خود بازگرداندند. اما چشم انداز ادامه کارچه در این قسمت و چه در دیگر قسمت ها هر روز تیره تر شد. مسئولین کارخانه به پیروی از سیاست ضد کارگری رژیم مبنی بر اخراج وسیع کارگران برای فرار از عوارض بحران حاد اقتصادی، همه دسایس خود را بکار گرفتند.

با آغاز سال ۶۵ و تعمیق ورشکستگی و افلاس ارزی و مالی رژیم، ایران ناسیونال نیز همانند بسیاری از دیگر واحدهای تولیدی، با خطر تعطیل مواجه گردید. در روزهای ۲۵ و ۲۶ و ۲۷ فروردین ماه ۱۸۰۰ نفر از کارگران ساختمانی ایران ناسیونال اخراج گردیدند. در سال جاری هیچیک از قطعات و لوازم مورد نیاز بخش های مختلف کارخانه وارد نگردید. کارگران بخش های تولیدی و ویژه بخش بیکار همچنان بیکار ماندند. در اوایل ماه رمضان خبری مبنی بر اینکه مسئولین کارخانه تصمیم دارند در طول همین ماه، کارخانه را تعطیل کرده و

پناهندگان، گریزان از جهنم خمینی

گرفتار در دایره تحریکات نژادپرستانه

بقیه از صفحه اول



گرایشات نژاد پرستانه، ریشه‌های بیکاری رشدیابنده و مشکلات اقتصادی را از مردم پوشیده بدارد و خشم ایجاد شده را به سمت خارجی‌ان مقیم این کشور سوق دهد.

حزب کمونیست آلمان

در اعتراض به سیاستهای دولت این کشور در قبال مساله پناهندگی و وضعیت پناهندگان خواسته‌های زیر را اعلام داشته است:

- عدم تشدید مقررات پناهندگی
- لغو فوری تمامی شوه‌های غیر انسانی و تبعیض آمیزی که هم اکنون در قبال پناهندگان بکار برده می‌شود.
- تحقق کامل و نامحدود حق پناهندگی سیاسی که در قانون اساسی تصریح شده است
- پایان دادن فوری به حمایت‌های سیاسی و مالی دولت آلمان از رژیم‌های سرکوبگره



کاریکاتورهای این صفحه از نشریات مترقی آلمانی برگرفته شده است که در یکی کنسر، وزیر خارجه آلمان فدرال بینگام بازگشت از تهران با کیسه‌ای پر از پول نشان داده شده است. کنسر نه فقطم رای که هرنک و هم لباس فقهای تهران شده است.

در کاریکاتور دوم، هلموت کول خود را از اتهام ضدیت با خارجی‌ان و کارگران ترک مهاجر میرا نشان می‌دهد. زیرا ژنرال‌های ترکیه را در آغوش دارد و دوست می‌دارد.

سرمداران دولت آلمان فدرال که روایت حنفی با دولتهای ارتجاعی ایران و ترکیه دارند، سیاستهای خصمانه نژادپرستانه‌ای را علیه مهاجرین سیاسی ایرانی و کارگران ترک مقیم این کشور پیش می‌برند. این دو وجه سیاست دولت آلمان فدرال مکمل یکدیگرند.

کانتینرهایی اسکان داده است، و تلاش می‌کند بانمایش شرایلی که خود ایجاد کرده است و تبلیغات جنبی آن، برای تصویب لوایح مورد نظر، پشتیبانی لازم را کسب نماید.

در میان متقاضیان پناهندگی که به تازگی وارد آلمان فدرال شده‌اند، شمار ایرانیان افزایش چشمگیری یافته است. اکثر قریب به اتفاق آنان را جوانانی در سنین سربازی تشکیل می‌دهند که برای گریز از مرگ محتمل در جنگ جهانی که رژیم ضد مردمی خمینی برای جوانان کشورمان ساخته است، میهن خود را ترک کرده‌اند و اکنون به زندگی در چنین شرایلی سخت و غیر انسانی گرفتار آمده‌اند. در هفته گذشته تبلیغات راست افراطی آلمان فدرال بویژه علیه پناهندگان ایرانی بوده است.

اقداماتی که دولت هلموت کول در قبال پناهندگان سیاسی و حقوق پناهندگی در آلمان فدرال در پیش گرفته است مورد اعتراض نیروهای دموکرات این کشور و کمیساریای پناهندگان سازمان ملل قرار گرفته است. نیروهای مترقی آلمان فدرال اقدامات دولت این کشور در این زمینه راپخش ازیستهای ارتجاعی‌ترین محافل سرمایه بزرگ می‌دانند که می‌کوشد با تقویت

خانواده‌هایشان از بیکان شهر به باریشان آمدند و مامورین انتظامات را تاراندند. حفظ "امنیت" محل با بیورش گروهی از نفرات تفنگ به دوش ژاندارمری مقدور کردید.

کارگران خشمگین هستند و رژیم که خود نیک می‌داند چه کرده است در هراس است. نیروهای انتظامی کارخانه را بر کرده و این گوشه و آن گوشه پرسه می‌زنند که مبادا کاری بشود کارستان. آژانامهای عدیده ووظیفه‌ای یگانه دارند. نامشان کمیته‌چی، حراست، انتظامات، سپاه، بسیج، ... است. ولی وظیفه‌شان واحد است. وظیفه واحد آنان سرکوب است. نشستن بر قله آتشفشانی است که اینک تنها صدای غرش آن می‌آید و اما فراد...

کارگران اندوهگین هستند وقتی که با بقچه‌ای در بغل برای آخرین بار از محل خروجی کارخانه بیرون می‌روند و سر برمی‌گردانند و آخرین نگاه را به این ساخته دستشان می‌اندازند که دیگر خاموشی می‌گیرد؛ کارخانه‌ای که با دستا نشان ساخته شد و دستا نشان را بکاری گرفت اینک به محضی می‌ماند که گویا نفس‌های آخرش را می‌کشد. هیچگاه مالک آنچه که خود ساخته و پرورده بودند، نبردند، با وجود این از دست و پا زدن و احتضار این مخلوق خود، اندوه تلخی در دل خویش احساس می‌کنند. مبادا که بپیرد!

کارگران غصیناک هستند. چه تحقیر سختی در حقشان روا داشته‌اند. همه هستی خود، همه زندگی و جوانی خود را در این کارخانه پیاد داده‌اند. اینک بقچه‌ای در بقلشان نهاده‌اند و بیرونشان کرده‌اند. شیره‌چانشان را مکیده‌اند و رهایشان ساخته‌اند. تابروند درخیل بیکاران کم پشوند. اهانت تحمل‌ناپذیری است.

هزار هزار کارگری که از ایران ناسیونال اخراج شدند. همانند هزاران هزار کارگر دیگری که از کارخانجات دیگر بیرون رانده شدند، اکنون از هر زمان دیگری بهتر می‌توانند دریابند که رژیم ولایت فقیه چه هیولای خون‌آشامی است. بهتر می‌توانند دریابند که اگر متحد بودند، اگر سازمان متحدکننده خویش را می‌داشتند چه‌ما که نمی‌توانستند بکنند. این درسا را زندگی به آنها داده است و برای آموختن آن بهای کزافی پرداخته‌اند. این آموخته‌ها ثبت‌چانشان می‌شود، نیرومی‌شود و بیکار می‌آید.

کابل‌های بی برق، لوله‌های بی آب

بقیه از صفحه اول

اشکالات حدود ۵۰۰ مکارات خاموشی در سطح شبکه وجود خواهد داشت. در حقیقت مصرف برق در سطح شبکه سراسری بالغ بر ۷ میلیون و ۲۰۰ هزار کیلووات است، حال آن که تولید برق شبکه سراسری بیش از ۶ میلیون و ۵۰۰ هزار کیلووات نیست. بدین ترتیب در صورتی که بازم نقش فنی، نرسیدن وسایل و لوازم بدکی یک نیروگاه برق دیگر را از رده خارج نکند، ۱۰ درصد کمبود برق در کشور وجود دارد.

از سوی دیگر قطع دایمی آب در محلات تهران نیز از مسایل جدی مردم به شمار می‌رود. مهندس محمودی مدیر عامل سازمان آب تهران کمبود آب را

تیرماه ادعا کرد که "امسال خاموشی نخواهیم داشت". مردم تهران ادعای وزیر توانیر را شامگاه همان روز زیر نور شمع مطالعه کردند! پس از ادعای وزارت نیرو مبنی بر نبود خاموشی در سال جاری، بر میزان خاموشی بازم افزوده شد. خاموشی از این مرحله فراتر رفت، عمومیت یافت و بر ساعات خاموشی نیز افزوده شد. مقام مسئول نامبرده طی یک مصاحبه مطبوعاتی دیگر که در کیهان ۱۰ تیر انعکاس یافت اعلام کرد: "علاوه بر نرسیدن سوخت به بعضی از نیروگاه‌ها، واحد بخار شماره ۴ نیروگاه بندرعباس نیز به علت نقص فنی از مدار خارج شده است که تا رفع

قطع مستمر آب و خاموشی وسیع برق در سطح کشور و به ویژه در تهران باعث ایجاد دشواری‌های جدی در زندگی مردم گردیده است. علاوه بر این تولید در صنایع کشور که به خاطر کمبود مواد اولیه و لوازم بدکی مختل شده است، از قطع مکرر و مداوم برق آسیب بسیاری می‌بیند.

اعتراف رفسنجانی به کشتار در بن پست چنگ

حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی نماینده خمینی در شورای عالی دفاع در گردهمایی ۵ هزار نفره مسئولین بسیج و سپاه در تهران، با مهم نامیدن دو حمله جدید رژیم در مناطق عملیاتی والفجر ۸ و مهرازی اظهار داشت که جمهوری اسلامی طرف دوسال گذشته هیچ حمله اساسی نداشته است. رفسنجانی در شرایطی این موضوع را طرح می‌کند که در همه دوسال گذشته مقامات مسئول کشور و از جمله خود وی برای انکار بن پست چنگ، مداوماً خبر از حملات و فتوحات اساسی می‌دادند. سخنان اخیر رفسنجانی اعتراف به این حقیقت بوده است که تمامی عملیاتی که در طی دو سال گذشته به قیمت کشتارهای سهمگین انجام گرفته بود، چیزی جز کشتار در بن پست نبوده است. البته این اعتراف رفسنجانی به منظور انکار بن پست کثونی بیان گردیده است.

رفسنجانی در همین سخنرانی با اشاره به عملیات فاو و تصرف مجدد شهر مهرازی به مسئولین بسیج و سپاه اطمینان داد که پس از این نبردها در شرایط جهانی حمایت از عراق تغییرات جدی پدید آمده است.

شنج فزایی در آبهای خلیج فارس

"قرارگاه خاتم الانبیا" طی اطلاعیه‌ای اعلام کرد که نیروهای جمهوری اسلامی طی یک حمله موفق در آن سوی جزیره مجنون، خسارات و تلفات سنگینی به ارتش عراق وارد ساخته‌اند. گزارش درگیری در جزیره مجنون به موازات اخبار مربوط به شدت آتش در جبهه فاو و مهرازی منتشر شده است. جمهوری اسلامی مدعی است که در حمله (کربلای - ا)، تاکنون بیش از ۱۰۰۰ تن از نیروهای ارتش عراق از پای درآمده‌اند. در ضمن جمهوری اسلامی خبر داده که به تاسیساتی در بنادر "البکر" و "الامیه" حمله کرده است.

در هفته گذشته عراق علاوه بر حمله به چند شناور در سواحل خارک، مبادرت به حمله هوایی به یک نفتکش بزرگ قبرسی نمود. حمله به این نفتکش از سوی محافل ذی‌ربط بین‌المللی نیز تایید شده است.

صنایع کشور در ۷ سال گذشته

اطلاعات ۲۲ تیرماه - شافعی، وزیر صنایع جمهوری اسلامی در یک مصاحبه مطبوعاتی به تشریح وضعیت صنایع کشور در فاصله زمانی ابتدای سال ۵۸ الی انتهای سال ۶۴ پرداخت و اظهار داشت: "از سال ۵۸ تا پایان سال ۶۴ تعداد ۱۷۹۲۲ مورد موافقت اصولی یا ۱۰۱۲/۲ میلیارد ریال سرمایه‌گذاری و پیش‌بینی اشتغال به‌کار برای ۲۹۷ هزار نفر توسط وزارت صنایع صادر شده که از این تعداد ۱۹۱۴ مورد یا ۱۸۰/۲ میلیارد ریال سرمایه‌گذاری و اشتغال به‌کار ۳۴۴۷۲ نفر متعلق به سال ۶۴ است."

وزیر صنایع جمهوری اسلامی متوسط سرمایه هر فقره موافقت اصولی صادره در ۷ سال گذشته ۵۶/۵۱ میلیون ریال اعلام کرد. براساس گزارش وزیر صنایع هر واحد تولیدی به‌طور متوسط ظرفیت اشتغال به‌کار ۱۷ الی ۱۸ نفر را داراست.

وزیر صنایع رژیم در خصوص تامین ارز صنایع کشور افزود که از ۱۷ موافقت اصولی صادر شده در سال ۶۴، ۱۵۶ فقره با ارز غیردولتی فعالیت می‌کنند. نامبرده بر لزوم استفاده از معاملات یوزانس و صادرات تولیدات صنایع برای غلبه بر مشکل کمبود ارز تاکید کرد.

پیش از آن کشتی مالتایی "لیدی روز" مورد حمله سنگین هوایی عراق قرار گرفته بود که چند خدمه آن کشته و زخمی شده بودند.

حمله به نفتکش‌ها و توقیف کشتی‌های بازرگانی باعث افزایش تشنج در آب‌های منطقه شده است. ژنرال "چرچ کرس" فرمانده نیروهای واکنش سریع اخیراً اعلام کرد که آمریکا برای "حفظ منافع حیاتی خود" در آب‌های خلیج آمادگی کامل دارد. تردد رزمناوهای آمریکا در آب‌های منطقه به بهانه وجود تشنج از جمله پیامدها و عوارض تشنج آفرینی در آب‌های خلیج می‌باشد. ناخدا ملک‌زادگان طی مصاحبه مطبوعاتی ضمن اشاره به سخنان فرمانده نیروهای واکنش سریع، اعلام کرده بود که جمهوری اسلامی به سیاست خود در آب‌های خلیج فارس ادامه می‌دهد.

پیش از ۷۰ درصد واردات صنایع سنگین نسبه است

این وزارتخانه نسبت به سال ۶۲، ۲۶ درصد کاهش یافته است. متوسط ارزش تولیدات این ۷۴ واحد تولیدی نسبت به سال پیش ۲۲ درصد تنزل داشته است. بنا به این گزارش میزان تولید واحدهای تحت پوشش در اردیبهشت‌ماه سال جاری در مقام مقایسه با ماه مشابه سال قبل ۲۷ درصد کمتر بوده است. گروههای تولیدی وسایل نقلیه، موتور و محرکه‌ها بیشترین سهم این کاهش تولیدی را به خود اختصاص داده‌اند.

در گزارش تصریح شده است که ارزش تولیدات ۱۷۶ واحد تولیدی "بخش غیردولتی" در اردیبهشت‌ماه سال جاری نیز نسبت به سه سال گذشته، بین ۲۲ تا ۴۲ درصد کاهش داشته است.

شتاب افزایش نرخ و مبرز آن مالیات گبری

اطلاعات ۱۶ تیرماه - ایروانی وزیر امور اقتصادی و دارایی جمهوری اسلامی طی یک مصاحبه مطبوعاتی اظهار داشت که "تا تاریخ هشتم تیرماه جاری کل درآمدهای مالیاتی ۱۲/۵ درصد نسبت به مدت مشابه در سال گذشته افزایش داشته است." وزیر امور اقتصادی و دارایی رژیم با اشاره به کاهش درآمد رژیم در اثر سقوط ارزش نفت در بازارهای جهانی این فرآورده، در خصوص نقش مالیات‌ها گفت "با کاهش قیمت نفت، نقش مالیات‌ها بسیار موثرتر و کارسازتر است و سیاست دولت خدمتگزار و همچنین سیاست وزارت اقتصاد و امور دارایی است که با تکیه به مردم مساله مالیات‌ها را پیش ببرد."

شرکت ارگانهای نظامی و انتظامی در آمار گبری سراسری

روز ۲۲ تیرماه خامنه‌ای رئیس جمهور تصویب نامه‌ای را در خصوص آمارگیری و سرشماری نفوس صادر کرد. در این مصوبه بر همکاری کلیه سازمان‌های نظامی و انتظامی در امر آمارگیری و سرشماری نفوس تاکید شده است. مرکز آمار ایران با استفاده از ۲۵ هزار آمارگیر در پاییز سال جاری، ظرف مدت ۱۵ روز امر آمارگیری و سرشماری نفوس و مسکن کشور را انجام خواهد داد. براساس گزارش سرپرست مرکز آمار ایران، جمعیت کشور در مقطع فعلی بالغ بر ۴۷ میلیون نفر برآورد شده است. آمارگیری در ۴۹۵ شهر و صد هزار آبادی صورت می‌گیرد.

در شرایط وخیم اقتصادی، رژیم جمهوری اسلامی با صرف صدها میلیون تومان برای آمارگیری سراسری بودجه مصوب مجلس شورای اسلامی برای آمارگیری ۲ میلیارد ریال برآورد شده است) اهداف امنیتی و همچنین شناسایی مشمولین را نیز دنبال می‌کند.

مصوبه رئیس جمهور مبنی بر شرکت سازمان‌های نظامی و انتظامی در آمارگیری سراسری گویای همین امر است.

ادغام رباست دادگاه انقلاب و مدیریت کل دادگستری استانها

اطلاعات ۱۸ تیرماه - حجت الاسلام مقتدایی عضو و سخنگوی شورای عالی قضایی جمهوری اسلامی اعلام کرد که "مسئولیت دادگاه‌های انقلاب اسلامی و دادگستری هر استان به یک نفر واگذار می‌شود." نامبرده علت این تصمیم شورای عالی قضایی را "سرعت بخشیدن به امر قضا و مشخص شدن جایگاه دادگستری در امر قضا" اعلام کرد. سخنگوی شورای عالی قضایی با تاکید بر نقش و اهمیت "دادگاه‌های انقلاب اسلامی" اظهار داشت که این طرح تاکنون در استان‌های خراسان، مازندران، فارس و گیلان به اجرا درآمده است. مقتدایی، حجت الاسلام فتیل‌زاد حاکم شرع و رئیس دادگاه‌های انقلاب اسلامی گیلان را با حفظ سمت به عنوان رئیس کل جدید دادگستری منطقه معرفی کرد.

یک میلیون معتاد؟

فرمانده کمیته انقلاب اسلامی استان سیستان و بلوچستان در سینار سراسری فرماندهان و معاونین کمیته‌های انقلاب اسلامی اعلام کرد که ۸۰ درصد مواد مخدر از مرزهای سیستان و بلوچستان وارد کشور می‌شود. نامبرده اعلام کرد که قیمت یک کیلو هرویین که در مبدأ ۲۰ هزار تومان می‌باشد در تهران تا یک میلیون تومان نیز معامله می‌شود. فرمانده کمیته‌های انقلاب اسلامی استان سیستان و بلوچستان تلویحاً تعداد معتادین ایران را بالغ بر (یک میلیون نفر) اعلام کرده است.

(کیهان ۱۸ تیرماه)

زلزله جنوب فارس را لرزاند

اطلاعات ۲۲ تیرماه - زمین لرزه‌ای به قدرت ۵/۸ تا ۶/۲ ریشتر در چند نوبت جنوب فارس را لرزاند. در اثر این زمین لرزه‌ها مطابق گزارشات دولتی چندین تن کشته و عده‌ای مجروح شده‌اند و همچنین صدها خانه روستایی فروریخته است. زمین لرزه روزهای شنبه و یکشنبه ۲۱ و ۲۲ تیرماه مسنی، جنوب غربی استان فارس، روستاهای "کومه‌زار"، "بوان"، "کلگون" و "هرابرز" و دو روستا از توابع کازرون را لرزاند. بنا به گزارش دولتی، صدها خانوار روستایی در جادر اسکان یافته‌اند.

اخبار کوتاه

* موسوی نخست وزیر با ارسال پیامی برای ژاک شیراک نخست وزیر فرانسه، نسبت به روند عادی سازی مناسبات دو کشور ابراز امیدواری کرد. برخی از رسانه‌های غرب گزارش کرده‌اند که مهدی نواب فرستاده جمهوری اسلامی به فرانسه به مسئولین دولت شیراک پیشنهاد کرده بود که در ازای مطالبات ۱/۵ میلیارد دلاری رژیم، اسلحه به رژیم خمینی تحویل بدهند.

* لایحه نظارت شورای نگهبان بر انتخابات

مجلس شورای اسلامی به تصویب رسید. براساس این لایحه حق ابطال و متوقف ساختن انتخابات در اختیار شورای نگهبان خواهد بود.

* از سوی خمینی سرهنگ صیاد شیرازی فرمانده نیروی زمینی و محسن رفیق دوست وزیر سپاه پاسداران نیز به عضویت در شورای عالی دفاع منصوب شدند.

* روز ۲۸ تیرماه، فرماندهان سپاه ارتش و همچنین رفسنجانی نماینده خمینی در شورای عالی دفاع با خمینی ملاقات کردند.

* اطلاعات ۱۹ تیر - از سوی وزرای نفت جمهوری اسلامی و سوریه قرارداد فروش ۲/۵ میلیون تن نفت به سوریه امضا شد. این مقدار نفت در شش ماهه دوم سال جاری به سوریه تحویل داده خواهد شد.

* براساس گزارش ماهانه آژانس بین‌المللی انرژی در مورد بازار نفت، تولید نفت اوپک در ماه ژوئن از ۱۸ میلیون بشکه در روز فراتر رفته است. گزارش ماهانه آژانس بین‌المللی انرژی در مورد بازار نفت در زمانی منتشر می‌شود که دیگر گزارش‌های کارشناسان بین‌المللی نفت، میزان تولید نفت اوپک را بیش از ۱۹ میلیون بشکه در روز اعلام کرده بودند.

* اطلاعات ۱۹ تیرماه - مجلس شورای اسلامی، طرح آزادی معاملات و سایر نقلیه را از تصویب گذارند. براساس ماده واحده این طرح، "دولت موظف است خرید و فروش و سایر نقلیه را آزاد اعلام کرده" و بابت معامله رسمی آن‌ها، مالیات دریافت نماید. باید افزود که تاکنون معاملات و سایر نقلیه خصوصی و عمومی که توسط دولت فروخته می‌شد برای مدت معینی رسماً ممنوع بود و عموماً به شکل قولنامه‌های غیررسمی صورت می‌گرفت.

علت لغو ممنوعیت فروش این وسایل نقلیه، عوارض و مالیاتی است که به خاطر معاملات رسمی و

صدور اسناد مالکیت این خودروها نصیب دولت می‌شود.

* اطلاعات ۱۶ تیرماه - از سوی مرکز آمار ایران، نتایج آمارگیری از کارگاه‌های بزرگ صنعتی در سال ۱۳۶۴ اعلام شد. آمارگیری از کارگاه‌های بزرگ صنعتی که از سال (۱۳۵) همه ساله از سوی مرکز آمار اجرا می‌گردد، در سال ۱۳۶۴، تعداد ۷۵۰۰ کارگاه بزرگ صنعتی را شامل شده است. براساس نتایج این آمارگیری، نزدیک به ۸۰ درصد ارزش افزوده بخش صنعت به کارگاه‌های بزرگ صنعتی اختصاص دارد و انبوه واحدهای تولیدی کوچک و متوسط صنعتی تنها ۲۰ درصد ارزش افزوده بخش صنعت را به خود اختصاص داده‌اند.

* فقدان وسائل ایمنی اعم از لباس‌های ایمنی کار و یا سیستم‌های حفاظتی - امنیتی در محیط کار، باعث آن است که همه روزه عده‌ای از کارگران کشور دچار سوانح شده و احیاناً جان خود را از دست بدهند. طبق برآورد اخبار مربوطه به سوانح حین کار از ستون حوادث روزنامه‌های دولتی، چنین برمی‌آید که بر میزان بروز این سوانح، دائماً افزوده می‌شود. آخرین خبر مربوط به سوانح حین کار که در روزنامه‌ها (اطلاعات ۱۰ تیر) بازتاب یافت، کشته و مجروح شدن سه کارگر در اثر بروز آتش‌سوزی در کارخانه رنگ تهران می‌باشد.

* خبرگزاری جمهوری اسلامی اعلام کرد که سه کمپانی ژاپنی برای خرید نفت با مقامات جمهوری اسلامی به توافق رسیدند. قرارداد این سه کمپانی که عبارتند از کمپانی‌های "شووا" و "کوسو" و "ایدمیتسو" براساس خرید "نت بک" منعقد گردیده است. براساس این شیوه معامله شرکت خرید اریاکسر هزینه‌های تصفیه، حمل و نقل و بیمه از قیمت روز بازار آزاد، قیمت نفت را تعیین خواهد کرد.

* روزنامه کیهان ۲۲ خرداد اعلام کرد که ۷ میلیارد ریال قالیچه و اشیای قدیمه هنگام خروج از کشور کشف شده است.

ارباب رجوع

وقت چیز بی‌ارزشی شده است. همه روزه ده‌ها میلیون ساعت زمان در تهران قربانی می‌شود. نایب‌سامانی درمان ناپذیر در توزیع کالا و توزیع خدمات و سرویس دولتی عمر انسان‌ها را می‌بلعد.

تازه خورشید پرآمده است. هنوز کارمندان اداره از خانه بیرون نیامده‌اند، اما صدها تن زن و مرد، شاید برای چندین روز در کنار درهای بسته انتظار می‌کشند. فساد اداری و روابط بوروکراتیکی که ابعاد وحشتناکی یافته است، امروز نیز آن‌ها را بی‌نتیجه روانه خانه خواهد کرد. ساعت‌ها انتظار و ناکامی!



دستگیری ۳۰ نفر از کارگران نساجی قائم شهر

شکلی از مقابله با تبلیغات رژیم

اواخر اردیبهشت ماه بیش از ۳۰ تن از کارگران نساجی شماره ۳ قائم شهر به خاطر مخالفت با خواست مدیر کارخانه مینی بر حضور در سرکار در روزهای تعطیل، توسط سپاه دستگیر شدند. مدیریت کارخانه نساجی از کارگران می خواست که به منظور جبران تعطیلی روزهای عید و برای افزایش تولید، در روزهای تعطیل هر هفته به کار در کارخانه ادامه دهند. ولی کارگران با درخواست وی مخالفت کرده و می گفتند که تعطیلی

ایام عید حقشان بوده و حاضر نیستند در ازای آن از حق استفاده از روزهای تعطیل دیگر خود بگذرند. به همین دلیل آنان برخلاف میل مدیر کارخانه در روز تعطیل سرکار خود حاضر نشده و کارخانه را عملاً به تعطیلی کشاندند. مدیریت که خود را قادر به مقابله با کارگران نمی دید، برای وادار ساختن آنان به کار در روز تعطیل، به سپاه متوسل شد و سپاه برای مرعوب نمودن کارگران به ضرب و شتم آنان پرداخت و بیش از ۲۰ نفر از آنان را نیز دستگیر کرد.

"قلات" منطقه دور افتاده ای در شهرستان شیراز است. با وجود اینکه مردم این منطقه از ابتدایی ترین نیازهای زیستی محرومند اما از برکت وجود رژیم جمهوری اسلامی دعای کبیل همه شب در "قلات" دایر است. تبلیغ جنگ طلبی و خرافه پرستی از موضوعات دایمی مراسم دعای کبیل است. چندی پیش اهالی "قلات" برای ایراد تنفرو انزجار خود از این گونه برنامه ها شبانه ساختمان محل برپائی این مراسم را سنگ باران و شیشه های آن را خرد کردند.

حرکت اعتراضی کارگران هابیلوکس

کارگران کارخانه رنگ سازی هابیلوکس به لور دسته جمعی خواستار برکناری مدیر حزب الهی این کارخانه شدند.

روز سیزدهم خرداد، حدود ۱۵۰۰ تن از کارگران این کارخانه در مقابله با مدیر حزب الهی و کارگر ستیز آن که از هیچ اقدامی در جهت تضییق حقوق و اعمال فشار مالی به کارگران و اخراج و کمک به اعزام اجباری آنان به جبهه دریغ نمی کند طی یک اقدام جمعی خواهان آن شدند که مدیر کارخانه هر چه زودتر برکنار شود.

روز دهم اردیبهشت ۹۰۰ تن از کارمندان دولتی که به اجبار جهت آموزش نظامی به پادگان مرند فرستاده شده بودند، در محل آموزش پادگان، دست به اعتصاب گذاشتند.

این عده جزو ۱۲۰۰ نفر از اولین سری کارمندان دولت بودند که به منظور آموزش نظامی و اعزام به جبهه به مرند اعزام شده بودند. اینان که با آموزش نظامی و اعزام اجباری به جبهه مخالف بودند وقتی فرمانده آموزشی پادگان آنان را به پشت خیز و سینه خیز رفتن وامی دارد در اعتراض به وی از دستوراتش سرپیچی کرده و در همان محل دست به

تحصن می زنند و هنگام نهار نیز از رفتن به سالن غذاخوری خودداری می کنند. تهدیدهای مکرر فرمانده آموزشی برای برانگیدن آنان موثر واقع نمی شود و او به ناچار از معاون آموزشی فرمانده سپاه تبریز استمداد می جوید، ولی باز هم کار به جایی نمی رسد و اعتصاب ادامه می یابد. بالاخره، همان روز فرمانده سپاه پاسداران تبریز برای جلوگیری از گسترش دامنه اعتراض به میان اعتصاب کنندگان رفته و به آنان قول مساعد می دهد و به این شکل اعتصاب خاتمه می یابد.

جلوه ای از نفرت دهقانان از جنگ

نکرد. اهالی روستا جدا از ایادی حکومتی، خود مراسمی برپا کرده و دسته جمعی به سوی مزار جوان مقتول به راه افتادند.

مزدوران سپاه از آن جا که نمی توانستند این حرکت اهالی روستا را تحمل کنند و در واقع آن را اقدام صریح و علنی علیه جنگ طلبی رژیم می دیدند، در پایان این مراسم، ۸ تن از جوانان روستا را دستگیر کرده و با خود بردند. هیچ یک از دستگیر شدگان تاکنون آزاد نشده اند.

زمین از آن ماست

اخیرا سازمان آب و برق سیاهکل کیلان به دهقانان روستای "سرستگر" اخطار کرده است زمین هایی را که اوایل انقلاب مصادره کرده و در اختیار گرفته اند به سازمان آب و برق واگذار کنند. این زمین ها که حدود ۵۰۰ هکتار می باشد، در جریان انقلاب توسط کشاورزان "سرستگر" مصادره شد و در میان ۲۰ خانوار از اهالی روستا تقسیم گردید. اکنون روستائیان در پاسخ به ادعای سازمان آب و برق اعلام کرده اند که زمین ها را به کسی باز پس نخواهیم داد.

اوایل خرداد ماه سال جاری سپاه پاسداران فومن (واقع در استان کیلان) جسد سرباز جوانی را که در جبهه فکه کشته شده بود به زادگاه روستای بوئین از توابع فومن آورد. این سرباز جوان چنان متلاشی شده بود که پاره های جسدش را در یک کیسه پلاستیکی به زادگاهش باز آوردند. سپاه فومن و انجمن اسلامی روستا به منظور تبلیغ جنگ در مسجد روستا مراسم ختمی برپا کردند که هیچ یک از اهالی روستا جز اعضای منفرود انجمن اسلامی در آن شرکت

تحصیل را بگمان

در شیراز مسئولین دبستان "شهید جاسب رضایی" تاکنون مبلغ ۷۴ هزار تومان از اولیادانش آموزان به هنگام ثبت نام به بهانه پرداخت اجاره مدرسه اخاذی کرده اند.

این مدرسه یکی از منازس استیجاری آموزش و پرورش شیراز است که دولت می بایست اجاره بپای آن را بپردازد ولی سال گذشته آموزش و پرورش طی بخشنامه ای خطاب به اولیادانش آموزان و مسئولین مدرسه اعلام کرد که دولت قادر به پرداخت اجاره مدرسه نیست و اولیادانش آموزان چنانچه مایل به عدم تعطیلی مدرسه نیستند، خود باید پرداخت اجاره آن را تقبل کنند. به همین خاطر نیز مسئولین مدرسه به دنبال جلسه ای تصمیم گرفتند که اجاره مدرسه را بپای دانش آموزان سرشکن کرده و به هنگام ثبت نام از آنان دریافت کنند. از کسانی که قادر به پرداخت این مبلغ نبودند، ثبت نام به عمل نیامده است.

ایستادگی جوانان مشمول روستایی در برابر پاسداران

بگیر و ببند جوانان برای اعزام اجباری آنان به جبهه، توسط سپاه، کمیته و ژاندارمری در همه نقاط کشور به شدت ادامه دارد. در بسیاری از مناطق، مشمولین یا از جنگ مامورین رژیم فرار می کنند و یا با آنان به مقابله برمی خیزند. نمونه ای از درگیری جوانان با مامورین چندی پیش در روستای جروق یکی

از دهات اطراف کازرون اتفاق افتاد. جوانان این روستا که حاضر به جبهه رفتن نبودند با پاسدارانی که برای دستگیری آنان به روستا یورش آورده بودند، درگیر شدند. آنان پس از یک زد و خورد شدید و نابرابر و چیره شدن بر مامورین مسلح سپاه، روستای محل خود را ترک کردند.

درگیری مردم پاپاسداران در راه آهن تهران

اوایل اردیبهشت ماه در ایستگاه راه آهن تهران بین پاسداران و مشایخت کنندگان مشمولین اعزامی به جبهه درگیری شدیدی رخ داد و در جریان آن چند نفر توسط سپاه دستگیر شدند.

درگیری از آنجا شروع شد که دوستان جوان بدرقه کننده یکی از مشمولین اعزامی به جای دادن شعارهای حکومتی، به گونه ای مغایر با معیارهای حکومتی به بدرقه دوست خود پرداختند. پاسداری که

ناظر حرکات آنان بود از شدت خشم به سوی یکی از جوانان یورش برد و جوانان نیز متقابلاً پاسدار مهاجم را به یاد کتک گرفتند. در همین گیرودار پاسداران و کمیته چپی های مسلح با ماشین های گشت از راه رسیده، به جان جوانان افتادند و آنان را مضروب و مجروح ساخته و دو نفر را نیز دستگیر کردند. پاسداران با وجود اعتراض و مخالفت مردم، دستگیر شدگان را به همراه خود بردند.

روئیز، عضو شورای فرماندهی جبهه رهایی بخش ملی ساندینیست، در مراسم اعلای اسناد مالکیت اراضی مزروعی به اعضای یک تعاونی، اظهار داشت: "دولت انقلابی متعهد شده است زمین را میان تعاونی‌ها و افراد تقسیم کند. شما با دریافت حق مالکیت، مسئولیت تولید، مسئولیت تامین مایحتاج اولیه مردم و کالاهای صادراتی را به عهده می‌گیرید... شما نباید در برابر دشواری‌ها و موانع تسلیم شوید. اگر در دریافت وام به اشکال برخوردید، بروید و با رفقای بانک کشاورزی آن قدر بحث کنید تا وام ارزان بگیرید! اگر نمی‌خواهید مدهسولی را که وزارت کشاورزی توصیه می‌کند، بکارید، چیز دیگری کشت کنید، اما زمین را بایر نگذارید! اگر مسایلی مطرح شد که ما در دولت پاسخی برای آن نداشته باشیم، خودتان راه‌حل‌شان را جستجو کنید، با اتکا به خود در جهتی گام بردارید که درست می‌دانید!" سیاست دولت نیکاراگوئه، مشارکت دادن زحمت‌کنان در اداره امور و تحقق بیشکیرترین و رادیکال‌ترین دموکراسی است. زحمت‌کنان نیکاراگوئه، انقلاب را از خود می‌دانند. این رمز پایداری آن‌هاست.

دولت نیکاراگوئه توانسته است بی‌سوادی را از ۵۲ به ۱۲ درصد کاهش دهد. بیش از ۵۰ هزار خانواده، خانه یا زمین برای مسکن دریافت داشته‌اند. انتظار عمر در نیکاراگوئه، پس از انقلاب و به دنبال گسترش شبکه خدمات درمانی، از ۵۶ به ۶۲ سال افزایش یافته است. ۵۰۰ مرکز درمانی جدید احداث شده‌اند. در ۱۶۷ کودکان و مهد کودک جدید، ۲۷ هزار کودک ننگه‌داری می‌شوند.

مردم نیکاراگوئه، نخستین انتخابات آزاد تاریخ این کشور، با کزینش رییس‌جمهور و پارلمان، پشتیبانی یکپارچه خود را از دولت انقلابی و جبهه رهایی بخش ملی ساندینیست به نمایش گذاشتند. نزدیک به سه چهارم واجدین شرایط به دانیل اورتگا نامزد احراز مقام ریاست جمهوری رای دادند. با اتکا بر همین حمایت وسیع است که سرگیو رامیرز، معاون رییس‌جمهور نیکاراگوئه، در مصاحبه اخیر خود با روزنامه اسپانیایی "ال پائیس" اظهار داشت: "اگر آمریکایی‌ها به کشور ما لشکرکشی کنند، ما نیکاراگوئه‌ای‌ها خود دفاع از خویش را برعهده خواهیم گرفت... و به شما اطمینان می‌دهم پیروز خواهیم شد"

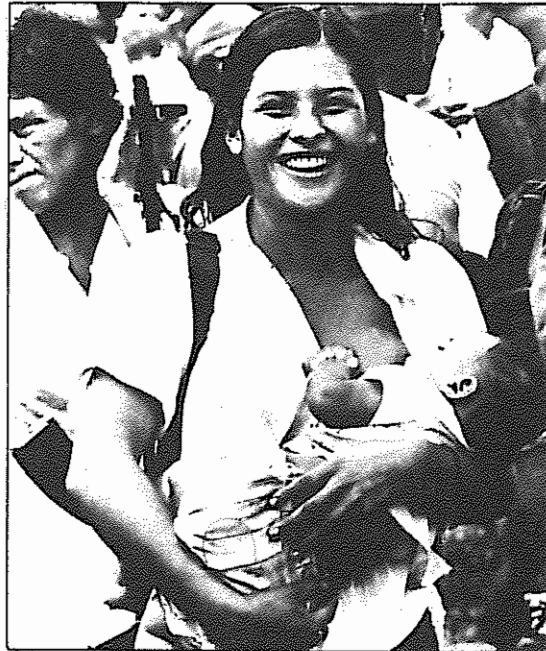
فقدان آب، برق، امکانات بهداشتی، مواد غذایی، مسکن... در روستاها و مزارع دولتی، ده‌ها هزار مرد و زن، بیروچووان دوشادوش هم تلاش می‌کنند. انقلاب باید بماند!

رمز پایداری

در برخی تفسیرها و گزارش‌هایی که مطبوعات بورژوازی غرب از نیکاراگوئه درج می‌کنند، این پرسش مطرح می‌گردد که دولت نیکاراگوئه

مخالفین سیاسی ما از این واقعیت برای دامن‌زدن به بی‌اعتمادی نسبت به دولت بهره می‌گیرند. ما جز این چاره‌ای نداریم که شمارا به رفتاری مسئولانه و توأم با ابراز همبستگی فراخوانیم. بدیهی است که نقش شما در سازندگی انقلابی کشور مهم است. اما نقش کارگران ساختمانی و سربازانی نیز که علیه کونترا می‌جنگند، کم‌اهمیت‌ترین نیست. صادرات قهوه، مهم‌ترین منبع

به مناسبت هفتمین سالگرد انقلاب نیکاراگوئه پایداری یک خلق در برابر اتحاد دلار و جنایت



بردوشم تفلکم است و در آغوشم کودکم. تفلکم حافظ امروز منهنم است و فرزندم، حافظ فردای آن. امروزم را پاس می‌دارم تا آینده‌ام تنها با صلح و نیکبختی قرین باشد.

چگونه توانسته است علی‌رغم ناپسامانی اوضاع اقتصادی و محرومیت‌های ناشی از آن، علی‌رغم فشار بی‌حد امپریالیسم و ضدانقلاب، حمایت اکثریت قاطع مردم کشور از انقلاب را پابرجا نگه دارد؟ در نتیجه اصلاحات ارضی، ۱۰۰ هزار دهقان و کارگر کشاورزی زمین دریافت داشته‌اند. بسیاری از آنان، در بیش از ۲۰ هزار تعاونی متشکل شده‌اند. سندیکای کارگران کشاورزی، تشکیل شده و دفاع از منافع این کارگران را برعهده دارد. هنری

ارزی کشور به شمار می‌رود. در سال ۱۹۸۶، ۸۵ درصد محصول قهوه نیکاراگوئه صادر خواهد شد. برای نیکاراگوئه، برداشت به موقع محصول و تحویل به موقع آن به خریداران از اهمیت حیاتی برخوردار است. از این رو، در پاسخ به فراخوان دولت، هزاران کارمند، معلم، دانشجو... به کارگران مجتمع‌های دولتی کشت قهوه و دهقانان تعاونی‌های پیوسته‌اند تا در شرایط تهدید دایمی حمله ضد انقلاب، برداشت به موقع محصول را تضمین کنند. در شرایط بسیار دشوار

بقیه از صفحه آخر
دلار آمریکایی و جنایتکاران حرفه‌ای دست و پنجه نرم می‌کنند. نیست. چه کسی می‌تواند رنج و محنت دهقان زحمت‌کشی را که ماه‌ها در مزرعه قهوه جان کفده و آن‌گاه شاهد به آتش کشیدن محصول توسط اشرار ضد انقلابی می‌گردد، درک کند؟ چه کسی قادر است درد تحمل‌ناپذیر آن کارگر مجتمع دولتی کشت قهوه را که تروریست‌ها همسر و فرزندش را در جلوی چشمانش می‌کشند، دریابد؟ امروز، نیکاراگوئه از مشکلات اقتصادی زیادی رنج می‌برد. در شهرها، بسیاری از مایحتاج عمومی را به سختی می‌توان یافت. رژیم سوموزا، اقتصادی وابسته به بازار جهانی سرمایه‌داری به ارث گذاشته، که ابعاد عواقب تحریم اقتصادی امپریالیست‌ها برای آن بسیار گسترده است. وضعیت دشوار توزیع کالاها به همراه تبلیغاتی که ضد انقلاب در این رابطه به راه انداخته تا مسئولیت این مشکلات را به گردن دولت نیکاراگوئه بیندازد، تأثیرات معینی بر افسار متوسط‌شهرنشین دارد. بروی ناراضی‌تی این افسار است که امپریالیسم و ضدانقلاب بیشترین حساب را باز کرده‌اند. دولت نیکاراگوئه، که محور سیاست‌های اقتصادی و اجتماعی آن راه ارتقا سطح زندگی کارگران و دهقانان تشکیل می‌دهد، ناچار است پیوسته از آن دسته افسار متوسط که نسبت به محرومیت‌های ناشی از شرایط کشور ناراضی‌اند، بخواهد بردباری بیشتری نشان دهند. به عنوان نمونه، مهندسين معماري و راه و ساختمان در دیداری با دانیل اورتگا رییس‌جمهوری خواست‌های خود را توسط نماینده‌شان، چنین عنوان کردند: "ما روشنفکران فنی، تعدادمان در نیکاراگوئه اندک است. بسیاری از ما پس از انقلاب به دنبال درآمد بیشتر به خارج رفتند. واقعیت این است که ما که مانده‌ایم، ناچاریم از امتیازات گذشته چشم‌پوشیم. بخشی از این راه‌هم می‌توانیم بپذیریم. اما بد نیست هر از چندی، دولت، با برخی خواست‌هایمان برای به اصطلاح "تسویق" موافقت کند...". اورتگا در پاسخ گفت: "در این کشور چیز زیادی برای تقسیم کردن نداریم. هدف انقلاب ما این است که ناصت، شرایط زندگی کارگران و دهقانان ساده را بهبود بخشیم. متأسفانه این امر بدان معناست که فعلاً افراد مرفه‌تر - مثلاً مهندسين - محرومیت‌هایی را متحمل شوند.

پزشکان دست به اعتصاب زدند

درمانی حکم یک کالا را دارد، کالایی که عرضه آن اندک، توزیع آن بسیار نا عادلانه و تقاضا برای آن بسیار است. عرضه همواره به نسبت رشد جمعیت کاهش یافته، اما در عوض تقاضا برای آن افزایش یافته است.

در حالی که برای عده بسیار قلیلی این کالا در لوکس ترین شکل خود ارائه می‌گردد و می‌گردد، توده انبوهی حتی به پیش یا افتاده ترین نوع آن دسترسی نداشته و ندارند. این بحران عمومی بعد از به سر آمدن عمر رژیم شاه معدوم تشدید شد. رژیم جمهوری اسلامی نخست دست به سرکوب گرایشهای ترقیخواهانه و انقلابی در میان کادر درمانی کشور زد و در این راستا عده‌ای را به پای جوخه‌های اعدام نیز فرستاد. بر بحران عمومی عواملی افزوده شد که رشته امور را یکبارگی از هم گسیخت. دخالت

احتمالاً و ارتجاعی در امور پزشکی از سوی فقها، سرکوب پزشکان و پرستاران به دلیل ناهمخوانی عمومی آنان با منش و طرز سلوک حکومتگران، بستن دانشگاه‌های پزشکی در جریان ضد انقلاب فرهنگی، فراری دادن پزشکان از کشور، تشدید بحران در این عرصه پزشکی و بحران عمومی اقتصادی و بالاخره جنگ و قرار دادن امکانات درمانی کشور در خدمت تداوم آن بحران را به اوج خود رساند. اکنون کار به جایی رسیده است که طبق آمار رسمی برای هر ۲۶۴۰ نفر فقط یک پزشک و برای هر ۷۲۴۱۲ نفر فقط یک بیمارستان وجود دارد. اگر توزیع نا عادلانه امکانات پزشکی را نیز در نظر بگیریم فاجعه آمیز بودن این ارقام گاه ده چندان می‌شود. طبق آمار رسمی تعداد پزشکان ایرانی در خارج از کشور دو برابر تعداد پزشکان در داخل کشور است. بسیاری از این پزشکان را جمهوری اسلامی به خارج از کشور گریز داده است.

پاسخ رژیم به این بحران

پاسخ رژیم به تشدید بحران در زمینه بهداشت و درمان، تشدید انحصارطلبی خود در این عرصه بوده است. رژیم کوشیده است از یک سو گناه بحران را بر دوش پزشکان بیفکند و از سوی دیگر همه امکانات پزشکی، درمانی و آموزشی را در چنگ خود گیرد. در این راستا بود که در مهرماه سال گذشته لایحه انحلال وزارت بهداشت و تشکیل وزارت بهداشت و درمان و آموزش پزشکی به تصویب مجلس رسید. ارگانهای تبلیغاتی تشکیل این وزارتخانه را به عنوان یک

مجلس قرار داد و در پایان این راه صریحاً فرمان انحلال آن را صادر کرد. مقابله با "سازمان نظام پزشکی" بعنوان یک سازمان صنفی مستقل از دستگاه فئیسف معنی دار است، اما در درجه نخست شاخص روندی است که مدتهاست سیاست عمومی رژیم در قبال نهاد بهداشت و درمان کشور است. رژیم می‌کوشید و می‌کوشد همه امکانات پزشکی را در درجه نخست در خدمت تداوم جنگ قرار دهد. برای

حکم کانونهای بحث را پیدای کند. اینجا و آنجا، گفتگو و اقدامات اعتراضی علیه رژیم ادامه می‌یابد. موضوع، موضوع خاتمه یافته‌ای نیست. مخالفت پزشکان با تحمیلات رژیم همچنان ادامه دارد.

زمینه‌های مشخص اعتصاب

مدتها بود که رژیم می‌خواست مانع "سازمان نظام پزشکی" را از پیش بردارد. در این زمینه رژیم کام به

بقیه از صفحه اول همین روزنامه کوشیده است دامنه اعتصاب را محدود جلوه گر سازد. اما گزارش سرهم بندی شده آن در این مورد نیز به روشنی می‌رساند که ابعاد اعتصاب گسترده است. کیهان در سر آغاز گزارش خود چنین نوشته است: "علی‌رغم توصیه سازمان نظام پزشکی در جهت اعتصاب یک روز پزشکان در اعتراض به لایحه جدید نظام پزشکی که در مجلس شورای اسلامی مطرح است، گروهی از پزشکان متعهد، صبح امروز در محل کار خود حاضر شدند و به عداوت بیماران پرداختند. اما در همین حال عده‌ای از پزشکان و مراکز درمانی و رادیولوژی و آزمایشگاه از پذیرش بیماران، امتناع ورزیدند."

زمینه‌های مشخص اعتصاب از هفته‌ای پیش فراهم آمده بود. رژیم در برخورد با سازمان نظام پزشکی شمشیر را از رو بست و مستقیماً به ستیز آن برخاست. مجلس لایحه جدید نظام پزشکی را در دستور کار خود قرار داد و آینده سازمان مشخص شد. فرمان صادر شد که استقلال خود را از دست بدهد و ضمیمه دستگاه دولتی شود. اعتراض پزشکان برآمد یافت. روز پنجمین ۱۹ تیر رئیس سازمان نظام پزشکی بازداشت شد و پس از یک بازجویی تهدید آمیز آزاد گردید. این خط و نشان کشیدن موثر واقع نشد. پس از این که در روز یکشنبه ۲۲ تیر سازمان نظام پزشکی روز دوشنبه را بعنوان روز اعتصاب در اعتراض به تحمیلات دولت و لایحه در دستور کار مجلس اعلام نمود، رئیس سازمان نظام پزشکی و تعداد دیگری پزشک بازداشت شدند. در برخی از مراکز درمانی اعتراض از همان بعد از ظهر روز یکشنبه آغاز شد.

در روز دوشنبه اعتراض گسترش می‌یابد و اعتصاب مراکز کثیری را در برمی‌گیرد. در مجموع بیش از ۵۰ پزشک بازداشت می‌شوند. از روز دوشنبه ماشین تبلیغات رژیم با شدت بیشتری علیه پزشکان، بر روال عوام‌فریبانه همیشگی این دستگاه، به راه می‌افتد. تبلیغات از مطبوعات شروع شده و بعد کار به رادیو و تلویزیون می‌گردد. در روز سه شنبه مراکز درمانی به شکل همیشگی به کار خود ادامه می‌دهند. این مراکز

زمینه عمومی اعتصاب پزشکان

رژیم جمهوری اسلامی یک رژیم تمامیت گراست. این رژیم می‌خواهد بر تمام ارکان جامعه اراده خود را حاکم سازد، بد انسان که هیچ جنبه‌ای بدون اجازه و تمسک به رژیم حق نفس کشیدن نداشته باشد. این رژیم تاکنون با توسل به اهرمهای زور، انزوی و عوام‌فریبی خصلت تمامیت گرایانه خود را در ایجاد سلطه مطلق و تسلط مطلق بر عرصه‌ها و اجزای مختلفی از حیات اجتماعی متعلق ساخته است. تمامیت گرایی زیاد خواهی است، زیاد خواهی و انحصارطلبی تا حد جنونی مرگ آورست. فقها تمامیت گرا می‌خواهند بر همه امور و عرصه‌ها جنگ بیفکنند، حتی اگر این عرصه آموزش تخصصی پزشکی باشد. برای رژیم، یک نهاد خوب، یک نهاد نمونه، نهادی است مثل سپاه پاسداران، کوشش، فرمان و دست آموز، جمهوری اسلامی می‌خواهد همه نهادها را اینگونه بسازد. و با دست کم در درون نهادهای مختلف اجتماعی یک ستاد فرماندهی داشته باشد که فرمانروای مطلق باشد.

جمهوری اسلامی مدتهاست که به نهاد پزشکی و درمان با بغض و کینه می‌نگرد. او بدین نهاد نیازمند است، در درجه نخست به خاطر جنگ، نهاد پزشکی و درمان فراتر از چارچوب وزارت بهداشت است. برای رژیم داشتن اجزای بنام وزارت بهداشت و سلطه بر مراکز آموزش پزشکی از طریق وزارت علوم به معنی فرمانروایی مطلق در زمینه پزشکی و درمان نبوده است. رژیم قادر نبود از طریق این وزارتخانه‌ها در زمینه پزشکی فعال مایشا باشد و پزشکان و پرستاران را به دلخواه راهی جبهه‌ها سازد. از همین رو بود که کوشید دامنه سلطه خود را بر این عرصه به شیوه‌های مختلف، خاصه ایجاد تغییر سازمان در امور پزشکی از طریق لوایح قانونی گسترش بدهد. پزشکان در برابر این سردست به مقاومت زدند. آنها هر چه عالی را در اختیار داشتند که رژیم و دست کم واهی داشت در برابر آنان مختلط باشد. بنابر این مساله بدون صورت درآمد، رژیم می‌خواست و می‌خواهد که تمامی نهاد درمان و پزشکی را ضمیمه دستگاه سازد و همچگونه استقلال صنفی برای پزشکان قائل نشود. در مقابل پزشکان و علی‌رغم گرایشهای مختلف در میان آنان و خاصه سازمان صنفی‌شان، سازمان نظام پزشکی، در این مورد وحدت نظر داشتند و دارند که بایستی استقلال خود را حفظ کنند و تکرارند که بازجبه دست حکومت باشند. این تضاد کام به کام انکشاف پیدا کرد، تا به اقدام اعتراضی برجسته هفته پیش انجامید.

این منظور می‌بایست در این زمینه همه چیز را ضمیمه خود سازد.

یک بحران عمومی در زمینه بهداشت و درمان

بهداشت و درمان در کشور ما از یک بحران مزمن رنج می‌برد. ریشه این بحران در درجه نخست بدان برمی‌گردد که در جامعه ما امکان

کام پیش رفت. هم خواست این "سازمان" را محاصره کند، از طریق لوایحی که سلطه رژیم را بر نهاد بهداشت و درمان کشور بیشتر می‌ساخت، هم خواست از درون آنرا به تصرف درآورد؛ از طریق انجمن اسلامی پزشکان و دست آخر صحبت نظام پزشکی اسلامی را پیش کشید و لایحه‌ای را در این زمینه در دستور کار

راه فرج معرفی کردند. اما چه راه فرجی؟! هدف تنها گسترده شدن حیطه تسلط رژیم بر امکانات درمانی و آموزش پزشکی کشور بود تا همه این امکانات در خدمت تداوم جنگ قرار داده شود. احقانه بودن این طرح حتی صدای پزشکان معتمد دستگاه را در آورد. پس از این لایحه، لایحه ایجاد مدیریت واحد در چهارچوب وزارتخانه جدید برای آموزش پزشکی بود. این لایحه ابتدا رد شد و سپس دستکاری گردید و بالاخره از تصویب مجلس گذشت. پس از این لایحه می‌باید که تعداد دانشجویان پزشکی دو برابر خواهد شد و چنین و چنان خواهد گردید. آخوندهای حوزه علمیه نیز به فکر تاسیس دانشکده پزشکی افتادند و حتی کنکور مربوطه را نیز برپا نمودند. همه این تشبقات مضحک برای تامین کادر درمانی برای جبهه‌ها بود. در حالی که به گفته وزیر سابق بهداشتی "امروز در یک حمله ۱۵۰۰ تا ۲۰۰۰ مجروح جنگی داریم که باید سرویس بدهیم" (کیهان - ۲۳ مرداد ۶۲) طبیعی است که خدمات اجباری یک ماهه و دو ماهه و چند ماهه پزشکان و پرستاران کفاف نیازهای جنگی را نکنند و رژیم بر آن سر باشد که به یکباره چنان پنجه بر کتلی هم پزشکان یغشرد که بتواند همه را راهی جبهه سازد و نیز طبیعی است که آخوندهای حوزه علمیه نیز به فکر تدریس پزشکی در دانشگاههای روی کاغذ و سر منبر باشند.

مقاومت پزشکان

این لوایح و تشبقات و تحمیلات همیای آنها، خشم همه پزشکان و هر آن کسی را که از حرفه پزشکی و حساسیت آن آگاه بود، برانگیخت. مقاله نوشته شد، طومار تهیه گردید، جلسه برگزار شد ولی رژیم وقتی نگذاشت. نهاد رسمی و مستقلی که علیه این سیاستها موضع گرفت سازمان نظام پزشکی بود. سازمان نظام پزشکی لوایح تصویب شده در مجلس را با این استدلال رد می‌کرد که سپردن امر آموزش پزشکی به ارگان اجرائی وزارت بهداشتی تنها بر پهران دامن خواهد زد و ایجاد مدیریت واحد در این زمینه تنها بوروکراسی دست و پاگیر موجود را تشدید خواهد نمود. این استدلالها با این موضع گیری که سازمان نظام پزشکی "تخصص" را بر "تعهد اسلامی" ارجح می‌شمارد رد گردید. کم کم رژیم این سازمان را به صورت مانعی جدی در برابر پیشبرد سیاستهای خود دید و مستقیماً با آن در افتاد.

سازمان نظام پزشکی

سازمان نظام پزشکی که از سال ۱۳۳۹ موجودیت یافته و پس از انقلاب دارای اسانامه جدیدی گشته است، ارگانی است مستقل و منتخب پزشکان که وظیفه آن تنظیم رابطه صنف پزشک با مردم و ارگانهای دولتی است. این سازمان طبق قانون برخورددار از حق اظهار نظر در زمینه امور پزشکی می‌باشد. رژیم نخست کوشید که سازمان نظام پزشکی را از طریق انجمن اسلامی

شده است. برای تهیه آن از هیچ یک از پزشکان نظر خواهی نشد. تنها پس از تدوین، از پزشکان برای شرکت در جلسه دعوت می‌شود تا توجیه شوند. پزشکان بسیاری در جلسه مذکور شرکت می‌کنند تا از کم و کیف این طرح با خبر گردند. دکتر شیبانی از سوی مسئولین سخنرانی می‌کند و می‌کوشد پزشکان را به دفاع از طرح بکشانند. از پیش حدود ۱۵ نفر حزب الهی، طبق برنامه معین در کوه و کنار سالی نشانده می‌شوند. آنها موظف بودند در لحظات معینی از

رای گیری، پایانی، طرح با اکثریت قاطع رد می‌شود. از مهرماه سال گذشته بدینسو، فشار بر روی سازمان نظام پزشکی افزایش یافت. لوایح تصویب شده در سال گذشته در زمینه امور پزشکی به نوعی به محاصره در آوردن این سازمان بود. دیگر زمان آن فرارسیده بود که این سازمان صنفی مستقل از پیش پا برداشته شود. دستگاه تبلیغاتی به شکل عوامفریبانه‌ای علیه این سازمان معرکه به راه انداخت. در آبان ماه سال گذشته موسوی نخست وزیر با این کلمات صریحاً به سازمان نظام پزشکی حمله ور شد: "نظام پزشکی... بهتر است که پزشکان را به جبهه‌ها... نزدیک نماید چرا که در غیر این صورت با مخالفت‌های شدیدی روبرو خواهد شد." (کیهان - ۲۶ آبان ۱۳۶۴).

پزشکان، که در میان آنها گرایشهای سیاسی مختلفی وجود دارد، در مقابل این فشارهای حکومت این وحدت نظر را داشتند که از استقلال سازمان صنفی خود پاسداری کنند. لومارهای مختلفی از سوی پزشکان در پشتیبانی از سازمان نظام پزشکی تهیه گردید و جلسات مختلفی در این رابطه تشکیل شد. در قطعنامه کنتره سالانه دندانه‌های پزشکان بر حمایت از سازمان نظام پزشکی تاکید گردید. پزشکان شهرستانها در این زمینه بیانه‌های چندی صادر کردند که برخی از آنها در روزنامه‌های دولتی نیز بازتاب یافت.

فشار بر روی سازمان نظام پزشکی بیشتر و بیشتر شد. تدارک برای حملات خونینتر و وسیعتر در سال جاری در جبهه‌ها ایجاد می‌شود که همه ارگانهای ذینفوذ در زمینه پزشکی در اختیار حکومت باشد تا امکانات درمانی بیشتر و بیشتر در اختیار تداوم جنگ قرار گیرد. در همین راستا بود که لایحه سازمان پزشکی اسلامی به مجلس رفت و بالاخره از سوی دولت فرمان انحلال سازمان نظام پزشکی مستقل پزشکان صادر گردید و اعتصاب هفته گذشته را موجب شد.

رویارویی رژیم با سازمان پزشکی، هر چند در زورق عوامفریبی‌های همیشگی پیچیده شده است، در درجه نخست جلوه دیگری است از ماهیت آزادی کش این رژیم. رژیمی که تاب تحمل هیچ سازمان صنفی مستقلی را ندارد، همه چیز را درید قدرت خود می‌خواهد و می‌خواهد بر کلیه ارکان زندگی اجتماعی انسان پنجه‌بافد که روح زندگی را از همه آنان برگیرد.

اطلاعات سه شنبه ۲۶ تیر ماه ۱۳۶۵

نخست وزیر دکترا منافی را به سمت سرپرست سازمان نظام پزشکی منصوب کرد

اعلام حمایت انجمن اسلامی پزشکان از انحلال هیات های مادیره نظام پزشکی

وزارت کشور اعلام کرد: با اعلامین حرکت اخیر نظام پزشکی، قاطعانه برخورد می شود

«دندان شیبانی یا یانگ تکبیر، دیگران را نیز به تکبیر گویی و تایید بکشاند که به کلی ناکام می‌مانند. حتی یکبار هم پزشکان با آنها همراهی نکردند. هیات تکبیرگو حتی کوشید با کف زدن، جمع را به تایید وادارد ولی بازم بی نتیجه بود. پس از این که شیبانی عرقریزان کرسی خطابه را ترک می‌کند، پزشکی به نمایندگی از سوی دیگران سخنرانی می‌کند و ضمن رد طرح، به روش برخورد مسئولین با مساله نیز اعتراض می‌کند. در

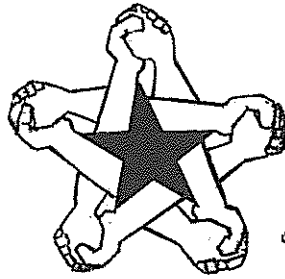
پزشکان و ایسته به خود، از دورن تصرف کند. این امر در چهارچوب اسانامه این سازمان به نتیجه نرسید. پس از این امر کوشیدند طرح تازه‌ای برای سازمان نظام پزشکی ارائه دهند و آنرا با تزویر به پزشکان تحمیل سازند. این امر نیز بی نتیجه ماند. در این زمینه در شماره ۱۶ نشریه "اکثرت" در تاریخ ۲۹ تیر ۱۳۶۲ خیر زیر امری خوانیم، "اخیراً از سوی مسئولین امر، طرح تازه‌ای در مورد نظام پزشکی تهیه

امکانات بهداشت و درمان در جمهوری اسلامی در یک نگاه

جمعیت کشور در سال ۱۳۶۲	
تعداد کل پزشکان در سال ۶۱	۱۵۱۴۵ نفر
تعداد کل دندانه‌های پزشکان در سال ۶۱	۲۲۲۰ نفر
تعداد کل نرسین‌ها در سال ۶۲	۸۱۹۲ نفر
تعداد کل بیمارستان‌ها	۵۸۱ باب

ماخذ: سالنامه آماری سال ۶۲

وحدت جنبش کمونیستی ضامن پیروزی در مبارزه مشترک



نوشته: وادیم زاگلا دین

تأثیر نقشی که جنبش کمونیستی در نبرد به خاطر صلح و در جنبش‌های انقلابی و ضد امپریالیستی می‌تواند ایفا کند به میزان زیادی به انسجام و فعالیت هماهنگ احزاب کمونیست کشورهای مختلف بستگی دارد.

مبارزه مشترک علیه امپریالیسم

نقش کمونیست‌ها در جنبش‌های انقلابی، دمکراتیک و ضد امپریالیستی بیش از هر چیز در تدوین و بکارگیری برنامه‌های سیاسی برای نبرد با امپریالیسم و پیشبرد امر صلح، دمکراسی و ترقی اجتماعی تجلی می‌یابد و اشتراک مساعی در به انجام رساندن این وظایف عمومی انسجام جنبش کمونیستی را تقویت می‌نماید.

مسئله وحدت نیروهای انقلابی و دمکراتیک جهان در مبارزه مشترک علیه امپریالیسم در اس دستور کار اجلاس‌های بین‌المللی احزاب کمونیستی و کارگری قرار دارد. در کنفرانس‌های سالهای ۱۹۵۷، ۱۹۶۰ و ۱۹۶۹ و کنفرانس‌های ماوانا (۱۹۷۵)، برلن (۱۹۷۶) و سایر گردهماییها، از تمامی کمونیست‌ها، همه نیروهای ضد امپریالیستی و همه کسانی که طالب مبارزه در راه صلح، آزادی و ترقی اجتماعی هستند خواسته می‌شود که نیروهای خود را در راه این مبارزه بسیج نمایند. در این جلسات اهداف این مبارزه به روشنی ترسیم شد و ضرورت تحکیم همبستگی رزم چوپایانه خلق‌های کشورهای سوسیالیستی با سایر گردانهای جهانی طبقه کارگر و جنبش‌های بخش ملی در مبارزه علیه امپریالیسم مورد تأکید قرار گرفت.

احزاب کمونیست در مبارزه روزمره خود بعنوان قاطع‌ترین و پی‌گیرترین سازمان دهندگان مبارزات ضد امپریالیستی عمل می‌کنند. این احزاب در اعلام همبستگی برادرانه با خلق‌های قهرمان و پیتنام که مورد هجوم امپریالیسم آمریکا قرار گرفت پیشگام بودند، از مبارزات راهبانی بخش خلق‌های عرب در مقابل تجارزانی که اسرائیل با پشتیبانی امپریالیسم آمریکا انجام می‌داد جانبداری نمودند، مینگر جنبش همبستگی با مردم انقلابی شیلی بودند و بیکار توده‌ای را در حمایت از سایر خلق‌ها در راه کسب آزادی و استقلال سازمان دادند. کمونیست‌ها همچنین برنامه‌های خویش برای صلح و امنیت اروپا را ارائه نمودند.

کمونیست‌ها فعالترین مبارزین راه تأمین صلح، تشنج زدائی و خلع سلاح می‌باشند و موثرترین شکل همیاری در مورد این مسئله مهم را بویژه در کنفرانس احزاب کمونیستی و کارگری که در ژوئن ۱۹۷۶ در برلن تشکیل گردید نشان دادند. سندی که تحت عنوان "در راه صلح، امنیت، همیاری و ترقی اجتماعی" در اروپا انتشار یافت و به اتفاق آراء به تصویب رسید حاوی ارزیابی عمومی احزاب کمونیستی و کارگری از برخی مسایل واجد اهمیت حیاتی برای مردم اروپا و سراسر جهان و نتیجه‌گیری

از رویدادها و تحولات دوران ما، پیش‌بینی تحولات تاریخی و فرجام مبارزه علیه امپریالیسم و در راه صلح، دمکراسی، استقلال ملی و سوسیالیسم درستی خود را در اساس تابه امروز نشان داده است. بسیاری از مفاد اسناد منتشره در این گردهماییها در برنامه‌های احزاب کمونیست انعکاس یافته و راهنمای عمل کمونیست‌ها بوده است.

طی سالهای اخیر، جنبش کمونیستی در راه دستیابی به هدف مقدم خود، یعنی سازمان‌دهی مبارزه ضد امپریالیستی تلاش نموده است تا وحدت سیاسی را در فعالیت‌های عملی و اقدام مشترک احزاب کمونیست در مبارزه ضد امپریالیستی محقق سازد. در عین حال جنبش کمونیستی از هیچگونه کوششی بمنظور تحکیم وحدت ایدئولوژیک کمونیست‌ها و غلبه بر تفاوت‌های نظری و ایدئولوژیک فروگذار نکرده است.

در سالهای اخیر، همچنین احزاب برادر در پرداختن به مسایل تئوریک همکاریهای وسیع‌تری از خود نشان داده و برای حل این قبیل مسایل از امکاناتی نظیر کنفرانس‌های تئوریک بین‌المللی، سمپوزیم‌ها و گردهماییها استفاده نموده‌اند.

مجله "صلح و سوسیالیسم" که بیست و پنجمین سال فعالیت خود را دو سال پیش پشت سر گذاشت نقش فعالی در انجام کار تئوریک مشترک احزاب کمونیست ایفا نموده و به اشکال گوناگون به تحکیم و توسعه همبستگی بین احزاب برادری می‌رساند و از جمله بطور منظم به تشکیل جلسات و کنفرانس‌های تئوریک جهت بحث و تبادل نظر پیرامون مسایل کلیدی عصر ما و مشارکت در این جلسات همت می‌گمارد.

تماس‌ها و پیوندهای ایدئولوژیک و تئوریک بین احزاب کمونیست به وحدت جنبش کمونیستی حول محور مسایل اصولی یاری می‌رساند. البته این بدان معنی نیست که جنبش کمونیستی در این عرصه بر تمام معضلات فائق آمده است.

وحدت در اصول

تفاوت نظر در مسایل خاص

وحدت ایدئولوژیک جنبش کمونیستی بمعنای یکسانی محض نظریات احزاب کمونیست در مورد تمامی مسایل نیست. لنین در این خصوص می‌نویسد: "وحدت بر سر مسایل ماهوی، اساسی و اصولی با تفاوت نظر در مسایل جزئی، ویژگیهای خاص محلی، شیوه‌های برخورد و روش‌های اعمال کنترل خدشه‌نمی‌پذیرد بلکه قوام می‌یابد."

وجود تفاوت دیدگاه‌ها امری است طبیعی، مهم اینست که نگذاریم به برخوردهایی منجر شویم که به وحدت ایدئولوژیک و همبستگی انترناسیونالیستی لطمه وارد سازد. جنبش کمونیستی شیوه‌ها و تدابیر لازم جهت هماهنگ نمودن محل‌مسایل مورد اختلاف را بدست داده است. با توجه به اینکه اختلاف نظرها گوناگونند باید از طرق گوناگون نیز حل شوند. در برخی موارد سؤالات و ابهامات می‌توانند از طریق ملاقاتهایی دو جانبه و یا چند جانبه و گفتگوهای رفیقانه حل شوند. در مواردی تجارب زندگی خود به حل این مسایل یاری می‌کند و در طول مبارزه مشترک در راه اهداف عمومی در عرصه جهانی پاسخ مسایل یافته می‌شود. ولی اختلافاتی نیز بر سر مسایل بنیادی و ماهوی در جنبش کمونیستی پیش می‌آید که حل

اهمیت وحدت ایدئولوژیک

جنبش کمونیستی تنها هنگامی می‌تواند وظایف تاریخی خود را به انجام رساند که سطح تئوریک خود را با پیشرفت زمان منطبق کند، بدین معنی که قبل از هر چیز بر توان خویش برای درک شرایط جدید مبارزات انقلابی بیفزاید، امکانات و منابع جدید برای پیشرفت و ترقی را بیابد و نتایج درست را برای تعیین استراتژی و تاکتیک احزاب کمونیست بدست دهد. در این راه از جمله باید با تهاجمات ایدئولوژی بورژوازی و تلاشهایی که برای تحریف تئوری مارکسیسم - لنینیسم بعمل می‌آید قاطعانه مقابله نماید.

هر حزب برادر سهم خود را در تکامل خلق تئوری کمونیسم علمی ادا می‌نماید و بر تجارب جنبش انقلابی می‌افزاید. در عین حال پدیدمی‌آید که برای تکامل همه جانبه تئوری مارکسیسم - لنینیستی و تعمیم یخشیدن به تجربه مبارزه انقلابی خرد جمعی کمونیست‌های کشورهای مختلف در عرصه پژوهش‌های تئوریک ضروری است.

وحدت ایدئولوژیک کمونیست‌ها در قالب برنامه ایدئولوژیک و سیاسی جنبش نوین کمونیستی که بصورت جمعی در گردهماییهای ۱۹۵۷، ۱۹۶۰ و ۱۹۶۹ تدوین شد تجسم می‌یابد. ارزیابی کمونیست‌ها

بقیه از صفحه آخر

پلنوم کمیته مرکزی

حزب دموکراتیک خلق افغانستان

اقدامات اجتماعی و اقتصادی در مناطق آزاد شده امکان پذیر نیست.

دیپریکل کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان گفت کمیسیون ویژه‌ای، به ریاست ببرک کارمل، دست اندرکار تدوین طرحی برای قانون اساسی نوین افغانستان است که به موقع جهت اظهار نظر مردم منتشر خواهد شد. این طرح سپس در دستور بررسی یک پلنوم کمیته مرکزی حزب و اجلاس شورای انقلابی قرار خواهد گرفت. نجیب افزود تصویب قانون اساسی، آغاز فعالیت همه جانبه‌ای در ساختمان قدرت دولتی خواهد بود.

رهبر حزب دموکراتیک خلق افغانستان در رابطه با مسئله ملی خاطر نشان ساخت مهم ترین شرط حل این مسئله، ارتقا سطح رشد سیاسی، اجتماعی و اقتصادی است که در برخی مناطق کشور فوق العاده نازل است، و از این رو باید در چارچوب نخستین برنامه پنج ساله، طرح هایی برای رشد اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی

مایت ها، افغانستان تدوین نمود.

دکتر نجیب گفت در برنامه اقتصادی کشور، باید توجه ویژه‌ای به رشد کشاورزی، راه و ترابری، تولید انرژی و نیز پست و مخابرات می‌دول گردد. وی افزود در آینده نیز کوشش‌ها باید متوجه حد اکثر رشد بخش دولتی اقتصاد باشد که در ایجاد پایه مدرن مادی - فنی و شکل گیری طبقه کارگر جوان کشور، نقش تعیین کننده دارد. نجیب خاطر نشان ساخت باید از سرمایه داران ملی، حمایت مالی و حقوقی به عمل آورد، زیرا آن‌ها اکنون نقش مهمی در اقتصاد کشور دارند.

در ادامه سخنان نجیب آمده است یکی از مسایل مرحله کنونی انقلاب ملی - دموکراتیک، رشد و غنا بخشیدن به پایه سیاسی - ایدئولوژیک حزب و نیز تحکیم نقش آن در دولت و جامعه است. نجیب گفت مهم ترین وظیفه، عبارت است از تحکیم وحدت در صفوف رهبری و در کل حزب. وی افزود دفتر سیاسی، یکپارچگی حزب را مهم ترین شرط حل همه مسایلی می‌داند که در برابر کشور قرار دارند.

دیپریکل حزب دموکراتیک خلق

افغانستان در رابطه با نقش اتحادیه‌های صنفی گفت این اتحادیه‌ها وظیفه دارند به منظور تضمین اجرای طرح‌های نخستین برنامه پنج ساله، برای ایجاد شرایط عادی کار و زندگی و پیش برد مسابقه کار، بکوشند. وی همچنین بر نقش کار شریک سایر سازمان‌های توده‌ای کشور، از جمله سازمان دموکراتیک جوانان، سازمان دموکراتیک زنان و جبهه ملی پدروطن، تاکید کرد و خاطر نشان ساخت ضروری است پیشه‌وران و روشنفکران نیز به میزان بیشتری در حل مسایل شرکت داده شوند.

نجیب مهم ترین وظیفه سیاست خارجی حزب و دولت افغانستان را تامین شرایط خارجی مساعد برای پیروزی کامل انقلاب ثور دانست. وی افزود در این رابطه، مساله کلیدی، حل سیاسی اوضاع پیرامون افغانستان و عادی ساختن مناسبات با کشورهای همسایه پاکستان و ایران است. نجیب گفت برای افغانستان، مهم ترین امر، قطع مداخله در امور داخلی این کشور است و از این رو،

مساله خروج واحدهای شوروی و زمان آن، تنها می‌تواند در ارتباط و پیوند متقابل همه عناصر اصلی یک راه حل سیاسی، حل شود. دیپریکل حزب دموکراتیک خلق افغانستان اظهار داشت مهم ترین دستاورد ملی خلق افغانستان، دوستی با اتحاد شوروی، کشورهای جامعه سوسیالیستی و دولت‌های ترقی خواه غیر متعهد است.

پلنوم کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، به پاره‌ای مسایل تشکیلاتی پرداخت. سلیمان لایق، کاندید عضویت در دفتر سیاسی کمیته مرکزی و وزیر امور ملیت‌ها و اقوام جمهوری دموکراتیک افغانستان، به عضویت دفتر سیاسی درآمد. نجم الدین کاویانی و حیدر مسعود، به عنوان دبیران کمیته مرکزی برگزیده شدند. پلنوم، م. ی. صادقی را از مسئولیت دبیری کمیته مرکزی معاف کرده و اسدالله سوری، عبدالغفار آزاد و محمدانور فرزام را از ترکیب کمیته مرکزی کنار گذاشت. پلنوم، تشکیل کمیسیون مرکزی، یازرسی در جنب کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان را تصویب و اعضای آن را انتخاب کرده

اینگونه مسایل محتاج زمان و مبارزه است آشتی ناپذیر.

ناگفته پیداست که مسایل مطروحه بین احزاب کمونیست نمی‌توانند و نیاید چنان حل و فصل شوند که استقلال و برابری هر یک از احزاب را خدشه دار ساخته و پایه اشتراک مساعی و وحدت جنبش کمونیستی در کل لطمه وارد نماید.

مقایله با ناسیونالیسم

وحدت جنبش کمونیستی در نتیجه غلبه بر مشکلات و پیچیدگی‌های آن، از جمله ناسیونالیسم استحکام می‌یابد. هنگام بررسی منشأ بروز ناسیونالیسم در جنبش کمونیستی، توجه به برخی از ویژگیهای نحوه شکل گرفتن ناسیونالیسم حایز اهمیت است. رشد و تکامل احزاب کمونیست به نیروی سیاسی ذی نفوذ در تعدادی از کشورها پدید معناسات که چنین احزابی مسایل ملی متعدد تری برای حل، پیش روی دارند. و با توجه به اینکه مضمون مبارزه " ملی " کمونیست‌ها بفرنج تر شده است، نقش سنگین تری نیز بر عهده این قبیل احزاب قرار گرفته است. البته این امر روندی است طبیعی، لیکن ممکن است با تاکید بیش از حد بر عامل ملی در فعالیت‌های احزاب و نادیده گرفتن کامل و یا کم بها دادن به وظایف انترناسیونالیستی توأم گردد، که این نحوه برخورد می‌تواند موجب بروز خطر تنگ نظری ناسیونالیستی، انزوای و محدود شدن دامنه فعالیت‌ها گردد.

گرایشات ناسیونالیستی در جنبش کمونیستی بنور عینی به گسستن وحدت احزاب کمونیستی و همه نیروهای انقلابی و ضد امپریالیستی می‌انجامد، پیشرفت خلق‌ها به سوی سوسیالیسم و کمونیسم را دچار

وقفه می‌سازد و نیروها را به دام دشمنان می‌افکند.

در شرایط کنونی، ناسیونالیسم عمدتاً با شوروی ستیزی که محور ایدئولوژی و سیاست کمونیسم ستیزانه نیروهای پورژواشی است در هم می‌آمیزد. ایدئولوگ‌های پورژوازی می‌کوشند با بی اعتبار جلوه دادن پیروزیهای اتحاد شوروی و مخدوش نمودن سیمای نظام شوروی و سیاست‌های داخلی و خارجی آن، مواضع دولت شوروی را تضعیف نموده و در ساختمان جامعه کمونیستی وقفه ایجاد نمایند.

هدف ویژه امپریالیست‌ها عبارت از تضعیف موقع و مقام اتحاد شوروی در میان نیروهای انقلابی و افشاندن پدر بدبینی نسبت به جامعه سوسیالیستی است. بدینگونه استراتژی ایدئولوگ‌های کمونیست ستیز عبارتست از تفرقه و تضعیف نیروهای انقلابی از طریق ایجاد و اشاعه روحیات و نظریات علیه اتحاد شوروی.

کمونیست‌های انترناسیونالیست ماهیت ارتجاعی شوروی ستیزی را افشا نموده و نشان می‌دهند که اشکال مختلف شوروی ستیزی یا منافع تمامی جنبش کمونیستی و نیروهای انقلابی مغایر است. امپریالیسم مترصد بهره‌برداری از کوچکترین شکاف در روابط بین گردان‌های کمونیستی و جنبش‌های رهایی بخش در کشورهای مختلف بوده و می‌کوشد تا بر آتش اختلافات همیشه پیغزاید، تعصبات ناسیونالیستی را دامن بزند، بین خلق‌ها تخم نفاق و بدبینی افکند و گرایشات ارتجاعی ناسیونالیستی را ترغیب و ترویج نموده و سلاحهای مقابله با اینگونه گرایشات را کند نماید.

علت نفوذ ناسیونالیسم را عمدتاً می‌توان در دیرپائی تعصبات ناسیونالیستی یافت. این تعصبات حتی برای مدتی پس از پیروزی انقلاب سوسیالیستی

نیز وجود خواهد داشت، زیرا یک شبه نمی‌توان به نابرابری اقتصادی و فرهنگی خاتمه بخشید و با آثار و بقایای مناسبات ناهنجار بین ملل را که میراث سرمایه‌داری است از میان برداشت. در برخی موارد در صورتیکه برخورد صحیح یا این مسئله نشده، تعصبات ملی حتی ممکن است تشدید نیز بشوند.

شیوه مهم در مقابله با ناسیونالیسم، آنچه‌ان که تجربه نشان داده است، عبارتست از آموزش مداوم اصول انترناسیونالیستی به زحمتکشان و کمونیست‌ها و مجهر ساختن توده‌ها به درک صحیح از مفهوم خصلت انترناسیونالیستی منافع طبقه کارگر و زحمتکشان همه کشورها در مبارزه شان علیه دشمن مشترک. کمونیست‌ها و زحمتکشان در روند فرا گرفتن اصول انترناسیونالیستی در خواهند یافت که در مبارزه‌ای که در پیش دارند بین وظایف ملی و وظایف انترناسیونالیستی پیوندی ناگسستنی موجود است. در عین حال این روند بمعنای از میان برداشتن تعصبات و پیشداوریها و غلبه بر بدبینی‌ها و بی اعتمادی‌ها می‌باشد.

کمونیست‌ها تلاش می‌ورزند تا اشتراک مساعی و همیاری همه جانبه کشورهای سوسیالیستی را تقویت کرده و ثمر بخشی حمایت و کمک متقابل به نیروی عمده انقلابی عصر ما یعنی سیستم جهانی سوسیالیسم، جنبش جهانی طبقه کارگر و جنبش‌های رهایی بخش ملی را گسترش دهند. کمونیست‌ها از هیچ کوششی برای ارتقا و ثمر بخش تر نمودن اشکال مختلف همکاری بین احزاب برادر فروگذار نمی‌نمایند و بدین گونه نقش فزاینده‌ای را در پیروسه انقلاب، تحکیم میانی صلح جهانی و تضمین پیروزیهای نوین در جهت رهایی ملی و اجتماعی خلق‌ها ایفا می‌نمایند.

ترجمه از نشریه سوسپالیسم تلوری و پراکتیک

مناسفانه بکبار دیگر در هفته گذشته ابادی جناح توکل و دیگر کسانی که جز خرابکاری در جنبش به کار دیگری نمی بردانند، موفق شده اند در شهر فرانکفورت (در آلمان فدرال) در محیط فعالیت سیاسی دانشجویان ایرانی آشوب برپا کنند. بهرامون این رخداد از سوی دانشجویان هوادار سازمان در این شهر اعلامیه ای منتشر شده است که کلیشه آنرا در زیر مشاهده می کنید.



گشتار پیشمرگه های حزب دمکرات توسط کومله

حزب دمکرات کردستان ایران اعلام داشت که در روز پنجم تیرماه افراد مسلح "حزب کمونیست ایران" به دسته ای از پیشمرگه های حزب دمکرات در اطراف روستای قلقله واقع در منطقه بانه حمله کردند و ۱۶ تن را به شهادت رساندند. بولتن خبری ح. د. ک. ۱۰ که در اروپا منتشر می شود، خبر داد ۱۰ تن از کشته شدگان، مجروحینی بودند که پس از به اسارت درآمدن تیرباران شدند. زادبوی "صدای کردستان ایران" که توسط ح. د. ک. ۱ اداره می شود، گزارش داد که "پولپوتیان... اقدام به کمین گذاری برای دسته ای کوچک و خسته از پیشمرگان حزب" کردند و در پی آن زد و خوردی بوقوع پیوست، که ۱۴ ساعت به طول انجامید. بنابه این گزارش آن عده از پیشمرگه هایی که موفق شدند خود را از کمین و حلقه محاصره مهاجمین بیرون بکشند، نتوانستند مجروحین را از منطقه عملیات خارج سازند، لذا تمامی آنها به اسارت مهاجمین درآمدند که تیرباران شدند. "صدای کردستان ایران" خاطر نشان ساخت حمله تازه افراد مسلح ح. د. ک. ۱۰ در حالی صورت می گیرد که "حدود هشت ماه است ح. د. ک. ۱ عملیات جنگ با کومله را متوقف نموده" است.

ح. د. ک. ۱ در خارج از کشور با پخش اطلاعیه ای وقوع این درگیری را تایید کرده و مسئولیت آغاز و ادامه آن را پذیرفته است. در این اطلاعیه تلفات حزب دمکرات ۱۷ نفر و تلفات مهاجمین دو نفر ذکر شده است.

درگیری تازه در کردستان یکی از خونبارترین درگیری هائی است که تاکنون میان افراد مسلح ح. د. ک. ۱ و پیشمرگه های ح. د. ک. ۱ رخ داده است. ابعاد این درگیری در حد درگیری بزرگ طرفین در ششم بهمن ماه ۱۳۶۳ در منطقه اورامان است که طی آن ۱۱ پیشمرگه ح. د. ک. ۱ در حین درگیری به شهادت رسیدند. و ۸ تن نیز پس از اسارت تیرباران شدند.

زد و خورد "قلقله" می تواند سرآغاز درگیری های تازه ای باشد که قبیل از هر چیز بسود جمهوری اسلامی است. حمله تازه نفرات مسلح ح. د. ک. ۱ (چند ماه پس از کنگره دوم این حزب) در عین حال نشاندهنده اینست که خط مشی خرابکارانه رهبری این جریان همچنان استمرار خواهد یافت

اغتشاش آفرینان را محکوم کنیم!

در روز چهارشنبه ۲۵ تیرماه وقتی که هواداران سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در محل نهار خوری دانشگاه فرانکفورت به توزیع نشریات و افشاکاری علیه رژیم خمینی پرداخته بودند، با تهاجم سازمان یافته گروهی از کسانی مواجه گردیدند که ثبات شیم آشوبگرانه و مفسده جوینان خود را در پشت اختلافات عقیدتی پنهان می سازند. در میان مهاجمین نقش ابادی جناح توکل که با فاجعه آفرینی در گلپیلون بکلی آبرویاخته شد، بارز بود. آن ها همراه با کسانی از ماغویست های سرخورده، اعضای دار و دسته پول پوتیستی. حزب به اصطلاح کمونیست ایران (کومله) و افراد چند دستس سر هم بندی شده خرد و ریز دیگر، در حالی که با سلاح های سرد از قبیل چماق، چاقو، شمشیر و کپسول های گاز اشک آور تجهیز شده بودند، طبق برنامه ای از پیش تنظیم شده به محل نهارخوری ریختند، تا با کاربست روش و ایدئولوژی جمهوری اسلامی، ما را از افشاکاری علیه رژیم جمهوری اسلامی و انجام وظایف انقلابی بازدارند. آشوبگران اگر چه در کسب این مقصود ناکام ماندند و علی رغم رد پلانه ترسناک حرکات، در برابر هوشیاری و استواری ما ناجار به ترک محل گردیدند، اما موفق شدند به خواست دیگرشان در محدود ساختن فعالیت انقلابی ایرانیان در این محل دست یابند. در روز بعد مقامات مسئول، فعالیت سیاسی ایرانیان را در این محل ممنوع کردند.

مطمئناً طراحان این حرکت به خوبی به پیامد اقدام آشوب طلبانه شان آگاه بودند. آن ها اگر چه خود در میان ایرانیان خارج کشور منزوی شده و جز دستجات کوچک چیز دیگری نیستند، اما با کاربست این روش ها، به راست افرادی در کشورهای اروپایی امکان دادند که برای تحمیل محدودیت بسوی ایرانیان مبارز بهانه تازمائی بیابند. در ماه های اخیر حرکات این خرابکاران در فرانسه، آلمان فدرال، بریتانیا، دانمارک، سوئد و... در همین راستا بوده و به تنگ تر کردن دایره فعالیت نیروهای مترقی ایرانی انجامیده است.

آشوب طلبان به هیچ رو نمی توانند مسئولیت خود را در بروز این وضعیت پنهان نمایند. آن ها با انکار حق فعالیت سیاسی اکثریت قریب به اتفاق ایرانیان مبارز در خارج از کشور، می کوشند با توسل بسوی چماق در کار مبارزاتی ایرانیان و سازمان های مترقی اختلال ایجاد کنند. ما ضمن ابراز انزجار از این گونه مفسده جویی ها و عاملین آن ها اعلام می داریم که برلی جلوگیری از آن و ایجاد فضای سالم در محیط فعالیت ایرانیان از همه امکانات خود بهره خواهیم گرفت. ما از همه دانشجویان مترقی و از همه سازمان ها و عناصر پیشرو دعوت می کنیم که با محکوم کردن دستجات آشوب طلب و مقابله قاطعانه با آشوب طلبی به وظایف خود عمل نمایند.

پیروز باد مبارزه خلق در راه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی
زنده باد صلح، زنده باد آزادی، مرگ بر خمینیستی
دانشجویان هوادار سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)
در فرانکفورت - آلمان غربی

۶۵/۴/۲۸

رفیق محمد گوداغی تیرباران شد

رفیق محمد گوداغی در روز بیستم اردیبهشت، ماه بدست جلدان رژیم تبهکار جمهوری اسلامی تیرباران گردید. نشریه فدائی (شماره ۲۶ - تیرماه ۶۵) که این خیر را منتشر کرده، نوشته است که وی در مهرماه سال ۱۳۶۲ دستگیر شده بود و بیش از یکسال و نیم در برابر شکنجه‌های قرون وسطایی دژخیمان سرفرازانه مقاومت کرد.

رفیق محمد گوداغی یکی از کادرهای گروه منشعب از سازمان - (پیرو بیانیه ۱۶ آذر) بود که جان پاک خویش را بر سر عهد و آرمان شریف خویش نهاد و تا دم مرگ به آرمان‌های والای طبقه کارگر وفادار ماند.

تیرباران رفیق محمد گوداغی یکبار دیگر ضرورت مبارزه‌ای فعال

شهادت يك مجاهد خلق

تبدیلات پرسرودادی براه انداخته بودند. همانگونه که در شماره گذشته "اکثرت" نوشته‌ایم، ارگانهای سرکوب و ساواک جمهوری اسلامی برای جلوگیری از گسترش مبارزه مردم و نیروهای انقلابی و مترقی در کیلان، در ماههای اخیر دست به اقدامات گسترده‌ای زده‌اند که از جمله آنها اعزام نیروهای ویژه سرکوب از تهران به این منطقه است. بیگمان اینگونه ددمنشی نخواهد توانست بر عزم مردم و نیروهای انقلابی و مترقی در مبارزه برای سرنگون ساختن این رژیم سیاه خلی وارد نماید. خلقی که تدفین این رژیم را تدارک می‌بینند، هیچگاه خاطره شهیدان خویش را که بهمن افزای از جمله آنهاست - فراموش نخواهد کرد. یاد شهیدان در دل مردم جاودانه خواهد شد.

به گزارش منابع خیری سازمان مجاهدین خلق، بهمن افزای یکی از مسئولین این سازمان در استان کیلان در روز ۱۸ تیرماه در یک درگیری نابرابر با پاسداران رژیم ددمنش خیمینی به شهادت رسید. "انجمن دانشجویان مسلمان فرانسه" که در خیرنامه شماره ۲۰ خبر این جنایت تازه رژیم ولایت فقیه را اعلام داشته، خاطر نشان ساخت که درگیری مزبور در منطقه لوشان واقع در محور رشت - قزوین رخ داده است. در خیرنامه انجمن دانشجویان مسلمان فرانسه آمده است که این درگیری در ادامه درگیریهای است که بایورش اول تیرماه نیروهای سرکوبگر خیمینی به مجاهدین خلق در اطراف شهر آستانه اشرقیه آغاز شده است. ساواک خیمینی و رسانه‌های دولتی در جمهوری اسلامی پیرامون نتایج درگیری فوق

در دفاع از جان زندانیان سیاسی کشور که در سیاهچالهای رژیم خونخوار خیمینی به بند کشیده شده‌اند را آشکار می‌سازد. خطر اعدام، بسیاری از زندانیان مبارز را تهدید می‌کند. بویژه اکنون که اقدامات همبسته زندانیان سیاسی توانسته است، به دستاوردهای بیانجامد و رزمندگان اسیر استوارتر از همیشه از آرمانهای خلق و شرافت خویش پاسداری می‌کنند، رژیم در گسترش جنایات خود در زندانها راهی برای در هم شکستن اراده استوار فرزندان خلق جستجو می‌کند. مبارزه مشترک در دفاع از زندانیان سیاسی وظیفه مبرم و درنگ ناپذیر همه نیروهای انقلابی و مترقی است. بایرادختن به این وظیفه‌یاد شهیدان خلق و دلوریهای زندانیان مبارز را گرامی داریم.

تروین شین، دبیرکل جدید حزب کمونیست ویتنام

بقیه از صفحه آخر

در فرانسه، آزادی خود را بازیافت. با آغاز جنگ دوم جهانی، تروین شین به مبارزه مخفی روی آورد. وی در پلنوم هفتم حزب، به عضویت کمیته مرکزی و در پلنوم هشتم (۱۹۴۱) به سمت دبیرکل حزب انتخاب شد. در سال ۱۹۴۳، یک دادگاه نظامی استعمارگران فرانسوی، تروین شین را غیابا به مرگ محکوم کرد.

تروین شین در سال ۱۹۴۵ عهده‌دار ریاست "کمیته ملی قیام خلق" که از جانب کمیته مرکزی حزب تشکیل شده بود، گردید. وی در کنگره دوم (۱۹۵۱)، که طی آن حزب، نام خود را به "حزب زحمتکشان ویتنام" تغییر داد، بار دیگر به سمت دبیرکل کمیته مرکزی برگزیده شد.

در پی انتخابات عمومی ۱۹۶۰، تروین شین مسئولیت‌هایی در مجلس شورای ملی جمهوری دموکراتیک ویتنام به عهده گرفت. وی در دوره‌های دوم تا ششم قانونگذاری، ریاست پارلمان را بر عهده داشت. در کنگره‌های چهارم (۱۹۷۶) و پنجم (۱۹۸۲)، تروین شین به عنوان عضو کمیته مرکزی و دفتر سیاسی حزب انتخاب شد. وی طی نخستین اجلاس هفتمین دوره مجلس شورای ملی ویتنام در چهارم ژوئیه (۱۹۸۱)، به عنوان صدر شورای دولتی (رئیس جمهور) کشور انتخاب گردید.

از بابت اعتمادی که نسبت به وی ابراز شد، تشکر کرد. وی خواستار تحکیم وحدت و انسجام حزب، مردم و ارتش برای انجام موفقیت‌آمیز و تألیف مبرم روز و پیشبرد اهداف انقلابی خلق ویتنام شد. تروین شین اولین داد که همه نیروی خود را در راه تحقق مشی حزب که در کنگره‌های چهارم و پنجم، پلنوم‌های کمیته مرکزی و مصوبات دفتر سیاسی تدوین شده است، به کار خواهد گرفت. دبیرکل جدید حزب کمونیست ویتنام، زندگی و مبارزه له‌ودان رهبر فقید حزب را ستود و درگذشت وی را فقدان بزرگی خواند.

تروین شین در نهم فوریه ۱۹۰۷ در روستای "هان‌تین" در استان "هانام‌نین" واقع در شمال ویتنام در خانواده یک معلم، دیده به جهان گشود. وی مبارزه انقلابی خود را در سال ۱۹۲۵ آغاز کرد و در سال ۱۹۲۷، به اتحادیه جوانان انقلابی ویتنام پیوست. این اتحادیه که بنیانگذار آن، هوشی مین بود، هسته اولیه حزب کمونیست هندوچین را تشکیل می‌داد. تروین شین در سال ۱۹۳۰ به دلیل فعالیتش در کمیسیون مرکزی، تبلیغات حزب کمونیست هندوچین دستگیر، به دوامده سال زندان محکوم و به "سون‌لا" تبعید شد. وی در سال ۱۹۳۶ در چارچوب آزادی زندانیان سیاسی بدنیال پیروزی انتخاباتی جبهه خلق

کمک‌های مالی رسیده

۱۰۰ کرون	روجا از دانمارک
۸۰۰ کرون	... از اتموس سوئد
۱۰۰ کرون	"پاران" از استکهلم - سوئد
۱۱۰۰ کرون	یاکد "بیاد..." از استکهلم - سوئد
۱۰۰ تومان	مسافری از ایران
۲۰۰ تومان	احسان کوچولو
۵۰۰ مارک	جهان از لوس آنجلس - آمریکا
۴۰ دلار	"مدهبه تولد" از پرتلند آمریکا
۱۷۰ کیلن	از هلند
۶۰۰ مارک	"ب" از برلین غربی
۲۰۰ مارک	کاترین از برلین غربی
۱۰۰ فرانک	از وک لوس
۱۰۰ مارک	مهران - ۱۲
۱۰۰۰ روپیه	"م-ش" از هند
۱۰۰۰ روپیه	یاکد "جاودان باد..." هند
۱۵ مارک	ایرج از هایدلبرگ - آلمان فدرال
۱۰۰ مارک	از وولینگ - آلمان فدرال
۲۰ مارک	بیژن از بوخوم - آلمان فدرال
۲۰۰ مارک	از بوخوم - آلمان فدرال
۷۰ دلار	کمک به نشریه "اکثرت" - آرکانزاس آمریکا
۲۸ دلار	از آمریکا - اصر
۱۰۰ مارک	کیپا از کلن (آلمان فدرال)
۵۰ مارک	"ف" از سوئیس
۲۰۰ روپیه	یک خانم خانه‌دار از پونا - هندوستان

با جمع آوری کمک مالی فدائیان خلق را در انجام وظایف انقلابی یاری دهید!

در جشن ارگان مرکزی حزب کمونیست اسپانیا

سمبل مبارزه و مقاومت در جنبش کمونیستی ایران و جنبش خلق تژوین شده بود.

دبیرکل حزب کمونیست اسپانیا و مسئولین کمیسیون کارگری بین‌المللی این حزب، نمایندگان احزاب شرکت کننده در جشن از جمله یازدیدکنندگان غرغه ایران بودند. این غرغه همچنین مورد بازدید عده زیادی از ایرانیان قرار گرفت.

حزب کمونیست اسپانیا هر ساله جشن ارگان مرکزی خود "موندو ابرو" را برگزار می‌کند. بنا به دعوت حزب کمونیست اسپانیا، فدائیان خلق در اسپانیا نیز که در این جشن شرکت داشتند به همراه هواداران حزب توده ایران یکی از زیباترین غرغه‌های موجود در جشن را برپا داشتند. این غرغه از جمله با تصاویر رفقا جزئی، غیرائی و رضی الدین تابان بعنوان



طرحی از فدائیان خلق در اسپانیا

با شعار زنده باد صلح، علیه جنگ ایران و عراق

بمناسبت هشتم تیر، روز شهیدان فدایی، مراسم پرشکوهی در شهرها و کشورهای مختلف جهان برپا گردید. در این مراسم که به دعوت فدائیان خلق در این کشورها صورت پذیرفت جمعی از هموطنان میارزمان در خارج از کشور نیز حضور داشتند. آنان با شرکت در مراسم این روز، قهرمانی، پایمردی، جان‌باختن در راه آرمان و عشق به مردم را ستودند. و یاد همه شهیدان فدایی را گرامی داشتند.

عکس زیر صحنه‌ای از مراسم بزرگداشت شهدای هشت تیر در لندن را نشان

می‌دهد.



مبادا که برپرس شوی ناشکفته،
تو بایاد شکوفان شوی در دبستان
نه نابرد گردی به نام سپاهی.

گر بران شو از جنگ
که جنگ آفت زندگی و زمین است.
پسگو، "مرگ بر هر که مرگ آفرین است
که من کودکم، زندگی دوست دارم
و بازی و مدرسه و مادرم را"

نمی‌خواهم این را که گرگان بپولند
به خمپاره، خون بار و پیکرم را.
پدر رفت و رفت از بی او برادر
بر آن کشتگان بپنم اینک به زاری،
مژاداری مادر بر فمم را.
نمی‌خواهم او اشک بریزان بپیند
سرکوجه مان حمله ماتم را.
و هر کوجه صد "حمله مرگ" دارد ا

نوای کودک، ای مظهر بی گناهی
برالکن زدوشت سلاح سپاهی.
تو دانش آموختن در دبستان
و فردا نکهبانی فر ایران.

غنچه‌ها را بچینید



ز باغ وطن غنچه‌ها را بچینید
که این غنچه‌ها باین گل‌های فردا.
ولی قوم آدم خواران کی نتوانند
بچینند معنای فردا و گل را؟

نوای کودک، ای غنچه صبحگامی

محدودیت و ممنوعیت مصرف شیرخشک در تغذیه کودکان

بالاخره بتوانند گواهی پزشکی به جنگ آورده و دیگر مراحل قانونی را طی نمایند، هر دو هفته یکبار حجم محدودی از شیرخشک را از داروخانه معینی تحویل خواهند گرفت.

نیک نژاد تعداد نوزدان زیر یکسال را حدود یک میلیون و هشتصد هزار تن نامید و گفت وزارت بهداشت تامین شیر تنها نهمصد هزار نوزاد را پیش بینی کرده است. بنابه اظهارات وی به کودکان بیش از یکسال شیرخشک تعلق نخواهد گرفت اگرچه مادران آنان قادر به شیردهی فرزندانشان نباشند. بگفته معاون وزارت بهداشت، "کمیته تخصصی محدودسازی شیرخشک" تغذیه نوزادان را توسط شیرخشک در

زایشگاهها ممنوع کرده است. و به همین منظور "طی بخشنامه‌ای به تمام زایشگاهها مقرر شده است که اتاق مادر و نوزاد یکی شود"

واردات شیرخشک مورد نیاز نوزادان بخاطر محدودیت بودجه ارزی دولت و تخصیص ارز موجود برای نیازهای جنگی، قطع شده است. با این اقدام، سلامتی و زندگی صدها هزار کودک ایرانی دچار مخاطره شده و گرسنگی و مرگ در کمین نوزادان و کودکان نشسته است.

درماه جاری مقامات دولتی، این خبر را که حجم واردات شیرخشک نوزادان کاهش می‌یابد، بدفعات تکذیب کرده بودند. آنها مدعی بودند که واردات در حجم پیشین ادامه خواهد یافت، و تنها انواع آن محدودتر خواهد شد. اما در هفته گذشته این خبر بالاخره توسط دکتر نیک نژاد معاون وزارت بهداشت و درمان تایید گردید. وی در یک مصاحبه مطبوعاتی که مشروح آن در روزنامه کیهان - ۱۷ تیرماه - درج شده است، اظهار داشت "این وزارتخانه با تشکیل کمیته تخصصی محدودسازی شیرخشک، در زمینه کاهش واردات آن اقداماتی به عمل آورده است" وی افزود که "اقدام دیگر این وزارتخانه برای کاهش مصرف ۷۰ تا ۷۵ میلیون قوطی شیرخشک است."

دکتر نیک نژاد اعلام داشت که توزیع شیرخشک از این پس بصورت چیره‌بندی خواهد بود و "نحوه واگذاری کارت توزیع شیرخشک به مادران به این ترتیب است که پس از معاینه مادر و یا بررسی پرونده وی در سازمان‌های بهداشتی، مینی برندن اشتن شیر کارت سهمیه شیرخشک به وی داده می‌شود" به گفته معاون وزارت بهداشت، آن مادرانی که

حزب کمونیست سودان، مرحله جدیدی از مبارزه آغاز شده است

محمد ابراهیم نفود دبیر کل حزب کمونیست سودان، عزالدین علی عامر و یوسف مودستا که حزب کمونیست سودان را در پارلمان جدید این کشور نمایندگی می‌کنند، طی مصاحبه‌ای با روزنامه "نویس دوپلان" ارگان حزب سوسیالیست متحد آلمان دمکراتیک اظهار داشتند سودان با انجام انتخابات ماه آوریل و تشکیل نخستین پارلمان پس از ۱۷ سال، وارد مرحله نوین و مهمی از تاریخ خود شده است. نمایندگان کمونیست پارلمان سودان خاطر نشان ساختند اکثریت مردم سودان، امیدوارند در این مرحله، حیات کشور به مفهوم واقعی آن دمکراتیزه شود. ابراهیم نفود دبیر کل حزب کمونیست سودان در این مصاحبه گفت با در نظر گرفتن سال‌ها پیگرد سیهانه کمونیست‌ها و مخفی بودن مطلق حزب، بدست آوردن سه کرسی پارلمانی توسط کمونیست‌های سودان یک موفقیت به شمار می‌رود. عزالدین علی عامر

اعتصاب گسترده کارگران و دانش آموزان آفریقای جنوبی

-دوشنبه گذشته به دعوت "کوساتو"، بزرگ‌ترین اتحادیه سندیکایی آفریقای جنوبی، بیش از ۱۰۰ هزار کارگر این کشور دست از کار کشیدند. هدف از این اعتصاب، اعتراض به دستگیری ۱۵۰۰ فعال سندیکایی بود.

همچنین هزاران دانش آموز، از جمله ۸۰ درصد دانش آموزان کلاس‌های بالای دبیرستان‌های مخصوص سیاهپوستان آفریقای جنوبی، در روز دوشنبه که در این کشور، آغاز سال تحصیلی جدید بود، از حضور در کلاس‌ها خودداری کردند. دولت بوتوا اعلام کرده بود پیش از آغاز سال تحصیلی جدید، همه دانش آموزان باید خود را به مقامات معرفی کنند تا با بررسی سابقه سیاسی آن‌ها، درباره اخراج یا عدم اخراج آن‌ها تصمیم گرفته شود.

-سران کنیا، تانزانیا، اوگاندا، سودان، رواندا و زیمبابوئه در پایان اجلاس خود در نیروبی بار دیگر خواستار اعمال مجازات‌های اقتصادی علیه آفریقای جنوبی شده و شدیداً از موضع کشورهای غربی که مانع انجام اقدامات موثر بین‌المللی علیه رژیم نژادپرست پرتوریا می‌گردند، انتقاد کردند. سران این شش کشور اعلام کردند تا زمانی که رژیم آپارتاید پایرجا است، در آفریقای جنوبی و نامیبیا صلح برقرار نخواهد شد.

اخبار کوتاه

* حمله هوایی اسرائیل به چهار روستا در کوهستان شوف لبنان دوشنبه گذشته لایه ۲۰ کشته و زخمی به جای گذاشت. عکس، کوه‌ای از خسارات وارده به یکی از این روستاها را نشان می‌دهد.



* امیر کویت، پارلمان این کشور را به دنبال استعفای کابینه منحل کرده و سعد عبدالله الصباح ولیعهد را مأمور تشکیل کابینه جدید کرد. کابینه قبلی به دنبال استیضاح چهار وزیر در پارلمان استعفا کرده بود. امیر کویت طی سخنانی اظهار داشت نمایندگان پارلمان از دمکراسی "سو استفاده" کرده‌اند. وی گفت موادی از قانون اساسی را تغییر خواهد داد.

* پارلمان بنگلادش نخستین اجلاس خود را پس از چهار سال وقفه، بدون حضور نمایندگان هشت حزب اپوزیسیون (از جمله حزب کمونیست) برگزار کرد. نمایندگان اپوزیسیون در بیرون از ساختمان مجلس برای لغو حکومت نظامی دست به تظاهرات زده بودند.

نماینده دیگر حزب کمونیست در پارلمان سودان اظهار داشت هدف مرحله فعلی مبارزه، تدوین سندی است که در آن به مسایل مبرم کشور پرداخته شود. از جمله این مسایل، حل مشکلات و مشکلات اقتصادی، غلبه بر عواقب خشکسالی و گرسنگی، محو کامل بقایای رژیم نپیری و حل مسالمت آمیز و دمکراتیک اختلافاتی که به جنگ داخلی در جنوب سودان انجامیده است می‌باشد.

یوسف مودستا که خود اهل جنوب سودان است، در این مصاحبه گفت کمونیست‌ها اعطای حق خودمختاری را راه درست حل مساله جنوب می‌دانند.

ابراهیم نفود دبیر کل حزب کمونیست سودان اظهار داشت حزب از همه امکانات کار در پارلمان و خارج از پارلمان بهره گرفته، خواهد کوشید پایگاه توده‌ای خود را گسترش دهد.

انفجار هسته‌ای جدید آمریکا

در صحرای نوادا

دولت آمریکا برای چهاردهمین بار پس از اعلام قطع یک جانبه آزمایش‌های اتمی شوروی در شش اوت سال گذشته، یک انفجار هسته‌ای در صحرای نوادا انجام داد. این انفجار، هفتمین آزمایش هسته‌ای ایالات متحده در سال جاری میلادی بود.

خبرگزاری شوروی تاس در تفسیری پیرامون این اقدام آمریکا می‌نویسد، "این اقدام اول نشان می‌دهد که واشنگتن، که اعلام آمادگی نمود با اتحاد شوروی درباره مساله آزمایش‌های هسته‌ای مذاکره کند، به هیچ عنوان حاضر نیست مساله ممنوعیت عمومی و کامل انفجارهای هسته‌ای را حل کند. ثانیا دولت ایالات متحده آمریکا که از اتحاد شوروی خواهان تعیین موعدی برای ملاقات سران دو کشور شده است، در عین حال می‌کوشد موضع گیری اصولی اتحاد شوروی را مبنی بر این که چنین ملاقاتی باید نتایج مشخصی، به ویژه در عرصه تحکیم امنیت و خلع سلاح به همراه داشته باشد، بی پاسخ بگذارد."

پایان موفقیت آمیز پرواز ۱۲۵ روزه فضانوردان شوروی

را با موفقیت به پایان رسانده و سالم در صحرای کازاخستان فرود آمدند. این سفر دو فضانورد شوروی، نقطه اوجی در برنامه اتحاد شوروی برای استفاده صلح آمیز از کیهان است. برای نخستین بار، فضانوردان شوروی از یک ایستگاه فضایی به ایستگاه دیگر پرواز کردند. آن‌ها با سفینه "سایوز ۱۵" از ایستگاه جدید "میر" (صلح) تا ایستگاه "سالیوت ۷" که از ۱۹۸۲ در مدار زمین است، پرواز کرده، پس از ۵۰ روز انجام آزمایش‌هایی در این ایستگاه، به ایستگاه "میر" بازگشتند. نتیجه این سفر، کسب تجاربی برای ایجاد یک ایستگاه دائمی یا سرشنین در مدار زمین است.

حمایت حزب کمونیست لبنان

از طرح امنیتی غرب بیروت

حزب کمونیست لبنان اجرای طرح امنیتی غرب بیروت را مثبت ارزیابی کرد. در موضع گیری دفتر سیاسی حزب کمونیست لبنان، این اقدام، گامی اساسی در جهت بهبود فضای سیاسی شهر قلمداد شده است. بیانیه حزب کمونیست لبنان خاطر نشان می‌سازد حال که با اجرای طرح امنیتی برای غرب بیروت، پیشرفتی در جهت غلبه بر هرج و مرج حاصل شده، باید با اقدامات سیاسی این پیشرفت را تکمیل کرد.

طرح امنیتی فوق‌الذکر اواخر ماه ژوئن مورد موافقت نیروهای سیاسی - نظامی اصلی در غرب بیروت که عمدتاً مسلمان‌نشین است، قرار گرفت. طبق این طرح واحدهای ارتش مسئولیت برقراری نظم و آرامش را در این منطقه از شهر به عهده می‌گیرند و "حکومت شبه نظامیان" گروه‌های مختلف که به زدوخوردهای خونینی انجامیده است، پایان می‌یابد.

اجرای طرح امنیتی غرب بیروت به عهده ارتش لبنان است که با مشارکت واحدهایی از ارتش سوریه آن را به اجرا درمی‌آورد.



لئونید کیزیم (ست راست) و ولادیمیر سولویف

تروین شین، دبیرکل جدید حزب کمونیست ویتنام



ترون شین در پی گزینش خود به سمت دبیرکل حزب، در یک سخنرانی بقیه در صفحه ۱۲

بدنیال درگذشت له‌دوان، دبیرکل کمیته مرکزی حزب کمونیست ویتنام، که فقدان وی ناشر عمیق نیروهای ترقی‌خواه جهان را برانگیخت، کمیته مرکزی حزب کمونیست ویتنام دوشنبه گذشته طی یک اجلاس فوق‌العاده، ترون‌شین را به اتفاق آرا به سمت دبیرکل جدید حزب برگزید. به گزارش رادیو هانوی، پیشنهاد انتخاب ترون‌شین که از سال ۱۹۸۱، عهده‌دار سمت صدر شورای دولتی جمهوری سوسیالیستی ویتنام است، توسط فام‌وان‌دونگ، عضو دفتر سیاسی حزب و رئیس شورای وزیران ویتنام مطرح گردید.

به مناسبت هفتمین سالگرد انقلاب نیکاراگوئه

پایداری يك خلق در برابر اتحاد دلار و جنایت

ضدانقلابیون نیکاراگوئه (موسم به "کونترا") تصویب کرد، حدود ۵ درصد کل تولید ناخالص ملی این کشور ظرف یک سال است.

تاکسون بیش از یازده هزار تن از مردم نیکاراگوئه طی حملات "کونترا" به قتل رسیده، حدود ۵۵ هزار نفر ریبوده شده و بیش از ۷۵۰۰ کودک بی‌سرپرست شده‌اند. عملیات تروریستی "کونترا"، آسیبی معادل ۱/۵ میلیارد دلار به اقتصاد نیکاراگوئه وارد آمده است. به این رقم باید خسارات ناشی از محاصره کامل اقتصادی و تجاری نیکاراگوئه توسط آمریکاران نیز افزود. نیکاراگوئه ناچار است به علت تهدید دائمی امنیت کشور از سوی ایالات متحده و مزدوران آن، تقریباً ۵۰ درصد درآمد ملی و در مقطعی، تا ۲۰ درصد نیروی کار خود را صرف امور دفاعی کند. در نتیجه اعمال فشار مستقیم ایالات متحده، نیکاراگوئه در سال ۱۹۸۶ از همه سازمان‌های اعتباری بین‌المللی تنها ۵ میلیون دلار وام دریافت خواهد داشت.

انقلاب باید پماند

ارقام فوق، هرچند گوشه‌ای از فشار بسیار سنگین امپریالیسم آمریکا بر انقلاب نیکاراگوئه را نشان می‌دهد، مرکز به گویایی تجارب زنده و مستقیم خلقی که با عواقب اتحادشوم بقیه در صفحه ۷

نوزدهم ژوئیه (۲۸ تیر)، ۷۰ سال از پیروزی انقلاب ساندینیستی نیکاراگوئه و سرنگونی رژیم آمریکایی سوموزا دیکتاتور این کشور گذشت. هفت سال پس از روزهای نارنجی تابستان ۱۹۷۹، هنگامی که ارتش رهایی بخش ساندینیست‌ها پیروزمندان وارد ماناگوا شد، تلاش امپریالیسم آمریکا و مزدورانش برای درهم شکستن انقلاب نیکاراگوئه و احیای سلطه رژیم وابسته در این کشور، به اوج خود رسیده است. واکنش که تا سال‌ها پس از پیروزی انقلاب کوبا، امید به براندازی قدرت خلق در جزیره آزادی را از دست نداده بود و از هیچ توطئه‌ای برای برآوردن این منظور خود فروگذار نمی‌کرد، اینک نیز حاضر نیست در آمریکای مرکزی - جولانگاه انحصاری ده‌ها ساله‌اش - وجود یک نیکاراگوئه مستقل و آزاد را تحمل کند. هندوراس که نزدیک به ۵۰۰ کیلومتر مرز مشترک با نیکاراگوئه دارد، عملاً به اشغال ارتش آمریکا درآمده است. اردوگاه‌های آموزش تروریست‌های ضد انقلابی، در سراسر خاک هندوراس و کاستاریکا (همسایه جنوبی نیکاراگوئه) پرانگنده‌اند. برای پی‌بردن به ابعاد فشاری که ایالات متحده به نیکاراگوئه وارد می‌آورد، کافی است در نظر آوریم مبلغ ۱۰۰ میلیون دلاری که کنگره آمریکا اخیراً پرداخت آن را به

پلنوم کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان

تحکیم نظم انقلابی - دموکراتیک است. وی افزود تنها از این طریق می‌توان ضد انقلاب داخلی را منفرد ساخته و سپس مغلوب نمود. رهبر حزب دموکراتیک خلق افغانستان اظهار داشت اجرای این وظایف، امکان خواهد داد تا فعالیت اشرار ریشه‌کن شود، مرزها از تعرض دشمنان مصون بمانند، خونریزی متوقف گردد و صلح و وحدت ملی در کشور برقرار شود.

در بخش دیگری از سخنان نجیب در پلنوم آمده است: "ما راه برون رفت از موقعیت ایجاد شده را در این می‌بینیم که کار حزب و همه عرصه‌های زندگی اجتماعی را دگرگون سازیم. این امر شامل ساختار نیروها مسلح، دولت و اقتصاد و نیز شیوه‌های سیاست بی‌ورش و بر کماری کادرها، گسترش و تحکیم پایگاه اجتماعی و پیوند حزب با توده‌ها می‌گردد."

نجیب خاطر نشان ساخت پیروزی کامل و نهایی بر اشرار، بدون تکمیل موفقیت‌های نظامی از طریق بقیه در صفحه ۱۱

در تاریخ پنجمین ۱۹ تیرماه جاری، پلنوم کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان در کابل برگزار شد. در این اجلاس، رفیق نجیب دبیرکل حزب طی سخنانی اظهار داشت تحول انقلاب پیروزمند کشور، روندی پیچیده و از بسیاری جوانب، متناقض است که در جریان آن، می‌تواند مراحل تهاجمی و تدافعی و چاب‌جایی نیروها، وجود داشته باشد. وی افزود حزب باید با نیرویی بیش از پیش، آشکار سازد که انقلاب ملی - دموکراتیک، در خدمت منافع همه زحمتکشان، اقوام و قباایل همه اقشار میهن‌پرست جامعه افغانستان به پیش می‌رود. دبیرکل حزب دموکراتیک خلق افغانستان خاطر نشان ساخت و در عین حال، نباید فراموش کرد که به احتمال زیاد، مرحله کنونی انقلاب هنوز راه طولانی و دشواری در پیش دارد.

نجیب گفت وظیفه درجه اول کنونی، تقویت کار در میان توده‌ها، جلب دوستان و متحدان سیاسی جدید و

برای اشتراک‌نشریات "کار" و "اکثریت" در خارج از کشور فرم زیر را پر کرده و همراه رسید بانکی پرداخت بهای اشتراک به آدرس نشریه ارسال نمایید:

دیگر نقاط	اروپا	بهای اشتراک نشریه "کار":	<input type="checkbox"/> شش ماهه
مارک ۱۳	مارک ۱۱	<input type="checkbox"/> یک ساله	
» ۲۴	» ۲۱		
دیگر نقاط	اروپا	بهای اشتراک نشریه "اکثریت":	<input type="checkbox"/> سه ماهه
مارک ۳۰	مارک ۲۷	<input type="checkbox"/> شش ماهه	
» ۵۸	» ۵۲	<input type="checkbox"/> یک ساله	
» ۱۱۵	» ۱۰۲		

آدرس کامل (لطفاً خوانا بنویسید):

AKSARIYAT NO. 116 MONDAY JUL 21 86 Address: آدرس: RUZBEH POSTFACH 1810 5100 AACHEN W. GERMANY	حساب بانکی: AUSTRIA - WIEN BAWAG NR. 029 10701-650 DR. GERTRAUD ARTNER
---	--

مرگ بر امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا!